

خاطره قابناك د كتر تقى ارانى، انقلابى بزرگ، جاودان باد!

شماره مخصوص سالگرد شهادت ارانى

چهلمین سالگرد شهادت د کتر تقی ارانى
و نخستین سالگرد پیروزی انقلاب

پیوندی پر معنا و غرور آفرین

دکتر
ارانى
چهره‌هاى
درخشان
در جنبش
کارگری
و کمونیستی
ایران



اشعاری از:

احسان طبری
اسماعیل شاهرودی
طارم سرپلند
سپیده سامانی
درباره ارانى
صفحات ۳-۶-۸
مراسم یادبود
برمزارد کتر تقی ارانى
صفحه ۶

بزرگداشت انقلابی بزرگ د کتر تقی ارانى

روز یکشنبه ۱۲ بهمن ماه، ساعت ۵ بعد از ظهر
مراسمی برای بزرگداشت انقلابی بزرگ د کتر تقی
ارانى در سالن ورزش دانشگاه صنعتی برگزار میشود.
از اعضاء و هواداران حزب و همه عناصر میهن دوست و
ترقیخواه دعوت میشود که در این مراسم شرکت جویند

در راه پیمائی دعوت شده از جانب دانشجویان مسلمان پیرو خط امام شرکت کنیم

بناسبت زادروز پیامبر اسلام
- دوشنبه ۱۵ بهمن ماه از
جانب دانشجویان مسلمان
ایران تبدیل گردد، مورد پشتیبانی
حزب توده ایران است. لذا دبیر-
برای شرکت در یک راه پیمایی
خانه کمیته مرکزی از همه اعضاء
هوادران و دوستان حزب و همه
دعوت شده است.
این راه پیمایی که در عین حال
میباشد به تظاهرات از وحدت خلق
برای تحقق خط امام، خط انقلاب
ضد امپریالیستی و خلقی مردم
ایران تبدیل گردد، مورد پشتیبانی
حزب توده ایران است. لذا دبیر-
برای شرکت در یک راه پیمایی
خانه کمیته مرکزی از همه اعضاء
هوادران و دوستان حزب و همه
دعوت شده است.
این راه پیمایی که در عین حال
میباشد به تظاهرات از وحدت خلق

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در رژه عمومی سالروز تولد پیامبر اسلام شرکت می کنند!

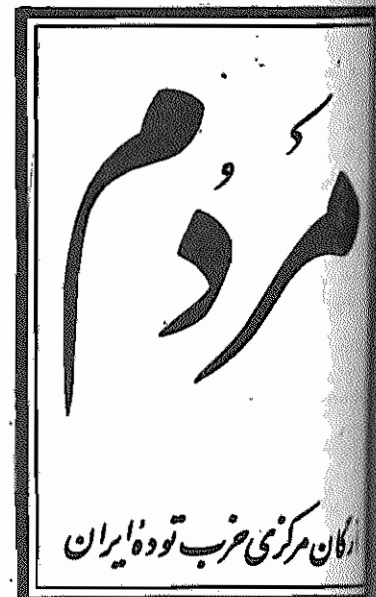
«باید همه با هم متحد شویم و با هم قیام کنیم تا این جرئومه
فساد (آمریکا) را از تاریخ برداریم»
سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در رژه عمومی فردا - روز دوشنبه ۱۵ بهمن ماه
(۱۷ ربه الاول سالروز تولد پیامبر اسلام) - که از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اعلام شده،
شرکت می کنند.
ماین رژه تاریخی را تجدید میثاقی در ادامه مبارزه هر چه متحدتر و فشرده تر علیه امپریالیسم
جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، میدانیم و از همه اعضاء و هواداران خود می طلبیم که فعلا نه در
رژه عمومی شرکت کنند.
باشد که در پرتو مبارزه متحد توده های مردم، امپریالیسم آمریکا، این «شيطان بزرگ» و عمال
دوابستان داخلی آن را برای همیشه از کشورمان بیرون برانیم.
دروغ بر امام خمینی رهبر کبیر انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران!
لنگ و نفرت بر امپریالیسم جهانی، بسر کرده گی امپریالیسم آمریکا و عمال آن!
پیروزی باد رزم میلیونی مردم ایران علیه امپریالیسم!
سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران
۱۳۵۸/۱۱/۱۰

در باره مقررات انتخابات مجلس شورای ملی

آئین نامه ای موافق با روح انقلاب
و نیاز تکامل دموکراتیک جامعه ضرور است

اهمیتی نیست و باید آنچنانکه
درخور است باین عرصه نیز
توجه کرد.
برای انجام انتخابات مجلس
شورای ملی مقرراتی از جانب
معاون وزارت کشور اعلام شده
است.
بدون شک بعد از انتخاب مجلس،
خود نمایندگان باید يك آئین نامه
دمکراتیک و موافق با روح انقلاب ما
و هدفهای خلقی آن تدوین کنند.
ولی بنا بیکتله آقای معاون وزارت
کشور، آئین نامه ای ظرف یکی دو
هفته آینده از جانب وزارت کشور
تهیه خواهد شد. ایشان نکاتی را
در سخنان نیم بهمن خود عنوان
گردانده، که گویا سرفصل های
آن آئین نامه است.
طبق این سخنان، اول انتخابات
دومرحله ای و بر اساس اکثریت در
هر حوزه رای گیری خواهد بود،
بقیه در صفحه ۲

گزینش رئیس جمهوری
پایان رسیده است و اینک
در دورنمای فعالیت های انتخاباتی
برای ایجاد نهادهای دائمی
جمهوری اسلامی ایران،
انتخابات مجلس شورای ملی
قرار دارد.
تردید نیست که فعالیت های
سیاسی در این دوران گذار،
تاجاقتادن کامل همه موسسات
و نهادهای جمهوری، بیچوجه
محدود به امور انتخاباتی
نمیشود و عرصه سیاست و
عمل سیاسی بسیار گسترده تر
و زوثر از تنها عرصه
انتخاباتی است. متنبی در
چارچوب این فعالیت های
سیاسی، مبارزات انتخاباتی
و گزینش افراد برای مناصب
یا مسئولیت های انتخابی،
با رودررویی بر رنامه ها و
نظرگاهها، خود بخش کب



روزه هفتم، سال اول، شماره ۱۵۸
۱۳۵۸ بهمن ماه ۱۳۵۸ - ۱۳۵۸ شماره ۱۵۸

وزارت امور خارجه ماهیت کنفرانس امریکائی پاکستان را وارونه جلوه میدهد؟

● وزیر امور خارجه و نماینده وی در کنفرانس به
اصطلاح اسلامی پاکستان، باتوهین و افترا به حزب
توده ایران، درصدد توجیه سیاست غلط خویش اند

نماینده وزارت امور خارجه
جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس
به اصطلاح اسلامی پاکستان،
پس از بازگشت از این کنفرانس
امریکائی، به چینی پاسخگویی به
اعتراضات وسیع مردم، به ایراد
توهین و افترا به حزب توده ایران
پرداخته است.
آقای خزایی نماینده وزارت
امور خارجه در کنفرانس امریکائی
اسلام آباد، در یک مساجبه رادیویی
که در ساعت ۲۰ روز ۱۱ بهمن
یاخبرنگار صدای جمهوری اسلامی
ایران بعمل آورده، گفت:
«دکتر تقی که ما در پاکستان
بودیم حملات بسیاری علیه شرکت
ایران در کنفرانس وجود داشت
و ویژه حزب توده، که وابستگی
آن به یکی از ابرقدرتها کاسلا
روشن است، با انتشار مطالبی که
کذب محض است، در روزنامه
ارگان خود نوشت که در قطعنامه

حیوان مسلمان پیرو خط امام: شاید که آمریکا، این ام الفساد را از تاریخ بیرون برانید

سخنرانی مسلمان پیرو خط
امام خمینی، خطاب به امام خمینی،
حزب ایران، انتشار
این نامه آمده است،
عبدالحجیم
که در کبیر انقلاب
سرت امام خمینی ارواحنا
بدری نمی بینیم که شدت
نسوه غم بر دل نشسته
تا با بازگو کنیم، نه،
بگفتنی نیست که همه
و باور با آنها میدانند،
با نوسها میدانند،
پیرو آنچه در آن هست
نیازی نیست که اینها
برای ما کافی است که
آری قطع او میدانند
ما چه میکند و فقط
باید نگران و بیقرار
سخنرانی مسلمان پیرو خط
امام خمینی، خطاب به امام خمینی،
حزب ایران، انتشار
این نامه آمده است،
عبدالحجیم
که در کبیر انقلاب
سرت امام خمینی ارواحنا
بدری نمی بینیم که شدت
نسوه غم بر دل نشسته
تا با بازگو کنیم، نه،
بگفتنی نیست که همه
و باور با آنها میدانند،
با نوسها میدانند،
پیرو آنچه در آن هست
نیازی نیست که اینها
برای ما کافی است که
آری قطع او میدانند
ما چه میکند و فقط
باید نگران و بیقرار

انقلاب در کردستان از هر دوسو تدارک جنگ برادر کشی می بیند

چنانکه از سخنان آقای فروهر واضح است، ضدانقلاب با
تمام قوا و با استفاده از هرگونه فرصتی میکوشد تا با برافروختن
آتش جنگ برادر کشی، مبارزه ضد امپریالیستی و متحدانه خلقهای
ایران را تضعیف کند و بجای آن تفرقه و دشمنی میان نیروهای
خلق برآورد. بخشی از نیروهای ضد انقلاب، همچون قبل، خود را
در میان نیروهای حکومتی و از جمله در ارتش پنهان ساخته اند و
از آنجا علیه انقلاب توطئه و تحریک می کنند.
اما ضد انقلاب برای به ثمر رساندن توطئه های خویش نیرو-
های خود را از سوی دیگر نیز به حرکت در آورده است. ضد انقلاب در-
واقع از طریق تحریکات متقابل و ایجاد بدبینی متقابل و دامن-
زدن متقابل به این بدبینی و بهانه سازی متقابل برای گسترش
تحریکات، میکوشد توطئه های خود را عملی سازد.
در کردستان نیز گروهکهای ضد انقلابی وابسته به عراق،
بقیه در صفحه ۲

آقای داریوش فروهر، عضو هیئت ویژه دولت برای حل
کردستان در مورد وقایع اخیر کردستان، اعلام کرده
که «از بیماری امام خمینی و اینکه علاقمندان نمی خواهند
تنگرانی کنند به ایشان داده شود و سردرگمی برخی
سالرکاران حکومت، پستی از مراکز قدرت که طرف
معی دارند، بهره برداری نموده و اکنون بدون توجه به
دیان ویژه دولت برای کردستان، که باید همه کار-
گری و کشوری زیر نظر آن انجام گیرد دست به
خونسرازه زده اند و عملیات خود سراه ای صورت گرفته
راه هرگونه گفتگوی بدنی را برای رفع بحران
من مند میکنند و بیم آنرا دارم که بار دیگر این
سندیده مبین ما دچار برادر کشی و خونریزی
ف. م. جوان اکنون دیده میشود که بعضی از کار بستان حکومتی
در کردستان عمل می کنند»

رانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند

هر حکمی و هر قانونی که در خدمت مستضعفان باشد مطابق خط امام است

حجت الاسلام سیدعلی خامنه‌ای در نماز جمعه این هفته، خط امام را بطور مشروح توضیح داد. او در قسمتی از سخنان خود گفت: ... باید همه این خط را حفظ کنیم. این ضامن تداوم انقلاب ما خواهد بود. خط امام یعنی چه؟ یعنی جهت‌گیری‌های سیاسی و فکری و اجتماعی امام در جنبه‌ها و جناح‌های مختلف، من این موضع‌گیری‌ها را بطور خلاصه و فهرست‌وار برای شما که متشکل از توده‌های عظیم مردم هستید تشریح می‌کنم. آن کسانی که با ما نمی‌چکنند و سرخصومت با ما ندارند، آن دولتی‌ها که انقلابمان را می‌توانند تحمل کنند، ما با آنها دشمنی نداریم. امام پیام محبت آمیزش را به همه این قدرتها بطور عام و کامل داده است. یعنی این حقیقت را بارها بیان کرده است که نمی‌خواهد با همه قدرتها مقابل باشد. آنهایی مقابل امام و خط امامند که سر ناسازگاری با انقلاب ما دارند و سر قدرتهای بزرگ عالم بداندند تا وقتی در مقابل این انقلاب و در مقابل جهت‌گیریها و هدف‌گیریهای این انقلاب قرار دارند، با هم شکلی و لودر پوسته‌ای از ریا و نفاق هم قرار بگیرند. خط امام (یعنی خط انقلاب اصیل اسلامی) با آنها مبارزه می‌کند و نیز موضع‌گیری امام در سیاست خارجی حمایت از همه جنبه‌هایی است که علیه ظلم و بیاداد دسراسر جهان می‌جساهدت و فداکاری می‌کنند...

هر حکمی و هر قانونی که در خدمت مستضعفان باشد

... امام میدانند که بار این انقلاب را طبقات مستضعف ملت بردوش داشته‌اند و این انقلاب در جهت آنهاست. امام در داخل مردم طرفدار آزادی‌های سیاسی و اجتماعی است. اما موافق نیست که کسانی به جان کسان دیگری صدمه وارد کنند و بنظر اینکما بنظر نیستند آنها را آزاد ببینند، به حیثیت آنها صدمه بزنند. آنچه در جامعه مادرگوشه و کنارگاهی اتفاق می‌افتد کسانی جمع می‌شوند تا حرفی بزنند، کسان دیگری بجان آنها می‌افتند، این در خط درست انقلاب، قراردمی‌گیرد و با آزادی‌های اساسی و سیاسی منافات دارد. همه مؤمنان به این انقلاب باید بدانند فضای جامعه اسلامی فضای بازی است. فضای است که صاحبان اندیشه‌های مختلف می‌توانند سخن و عقیده خود را ابراز کنند. در مقابل جهت و دلیل قاطع هیچ اندیشه‌ای نمی‌تواند تاب مقاومت بیاورد. به چنگ افکار رفتن فقط با بیان فکر و اندیشه ممکن است. و لاغیر اینکه کسانی بخواهند به شهروندی متوسل شوند، به کسانی حمله کنند، آنها را مورد آسیب قرار بدهند، یقیناً بر طبق روال و رویه اسلامی نیست. این مقدمات بل‌پوش و آرایش‌های اجتماعی است و این مقدمات اختناق و استبداد است. اما از سوی دیگر آن کسانی و گروه‌هایی و افرادی که احساس می‌کنند سخن آنها در جامعه ممکن است مورد عکس‌العملها و مقاومتها قرار بگیرد، باید بدانند که زمینه تشنج را در دوردن وظیفه بزرگ آنهاست. اظهار عقیده حق همه ملت است. همه گروه‌ها و احزاب و دستجات و افراد باید بدانند فقط خود آنها نیستند که حق حیات و حق گفتن و اظهار عقیده کردن دارند. این حق متعلق به همه عموم ملت است و همه می‌توانند از آن استفاده کنند. خط امام خط آزادی‌های اساسی در جامعه است.

صفوف خود را در رژه عمومی سالروز تولد پیامبر اسلام هر چه وسیعتر و فشرده‌تر سازیم!

رژه عمومی سالروز تولد پیامبر اسلام را هر چه وسیعتر و فشرده‌تر سازیم! به پیروی از پیام وحدت امام، مبنی بر همکاری و همبستگی مردم علیه دشمنان انقلاب، کانون دانش‌آموزان ایران از همه اعضاء و هواداران خود خواستار است تا در رژه عمومی روز دوشنبه ۱۵ بهمن ماه (۱۷ ربیع‌الاول تولد پیامبر اسلام) که از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اعلام شده، فعالانه شرکت کنند. شرکت هر چه وسیعتر و فشرده‌تر در این راهمبستگی بیاتر و وحدت همه نیروهای راستین انقلابی و مشت محکمی است بر دهان امپریالیسم جهانی، بر سرگردگی امپریالیسم آمریکا، و دست‌نشاندهگان خارجی و داخلی‌اش. درود بر امام خمینی رهبر کبیر انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران! بر توانمندی و نیرومندی باد جبهه پیروان خط امام! تنگ بر امپریالیسم جهانی، بر سرگردگی امپریالیسم آمریکا و عمال آن!

بمناسبت میلاد پیامبر اسلام و امام ششم شیعیان جهان روزنامه «مردم» فردا منتشر نمیشود

توطئه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و رهبری انقلاب ایران گسترش می‌یابد

امپریالیسم جنایت پیشه آمریکا جنگ روانی و خرابکاری و توطئه علیه انقلاب ایران را از می‌دهد. روزنامه لبنانی الشبب هفته گذشته گزارش داد که سازمان جتایکس با طرح‌های مختلفی در هفت توطئه علیه رهبری انقلاب ایران است. مسود مطالعه قرارداد است. به نوشته این روزنامه رسانه‌های گروهی امپریالیستی انتشار مقالات توهین آمیز علیه انقلاب ایران و رهبری آن را افزایش داده‌اند. در رابطه با این مسئله، روزنامه واشنگتن پست اعتراف می‌کند که سازمان سیا هرگز است فالیتهای خود را در ایران و افغانستان گسترش دهد. به نوشته این روزنامه، سیا تصمیم گرفته است عوامل رسمی خود را در پاکستان نیز افزایش دهد و در ایران نیز عوامل مخفی خود را است عوامل رسمی خود را در پاکستان نیز افزایش دهد و در ایران نیز عوامل مخفی خود را خواهد کرد. انصارات امریکائی و قبحانه در داخل آمریکا نیز بهیستری ضد ایرانی دامن می‌زنند. از چند شهر امریکائی مدارهای سینه ویژه‌ای منتشر شده است که بر روی آنها عبارات موهنی نسبت به انقلاب ایران و رهبری آن نوشته شده است. این مدارهای سینه در روزنامه‌های غربی و کتابها و نشریات پخش می‌شود. به جتایکس کارکنان حاکم بر آمریکا باید گفت که این توطئه‌ها علیه انقلاب ایران و رهبری آن توطئه مانع ادامه مبارزه مردم ایران بر علیه چپاول و فداکاری و مداخلات امپریالیستی خود.

حزب کمونیست یونان از دولت در واگذاری پایگاه نظامی آمریکا علیه ایران انتقاد کرد

«حزب کمونیست یونان» اظهارات اخیر دولت آن کشور را مبنی بر اینکه یک پایگاه نظامی در خاک آن کشور در اختیار آمریکا قرار خواهد داد، در خواست ایالات متحده را در باره این موضوع به شدت محقق به چنگی علیه ایران و کشورهای عربی منطقه مطالعه قرار خواهد داد، غیر قابل قبول می‌داند. فرانسویان پارلمانی. حزب کمونیست یونان ضمن استیضاح دولت در این زمینه داشت که سیاست دولت یونان ماجرایی افروخته امپریالیسم آمریکا را، که استقلال کشورهای همسایه یونانی را تهدید می‌کند، توثیق خواهد کرد. حزب کمونیست یونان از دولت آن کشور که از پذیرش چنین درخواستی، که حاکمیت ملی یونان است، سر باز زده است.

کمیته‌های المپیک ده کشور اروپایی، علیرغم سیاست اعراب در المپیک مسکو شرکت خواهند کرد

مقاومت کشورهای کمیته‌های المپیک ده کشور اروپایی، علیرغم سیاست اعراب و ورزشی کثرتی بر روی می‌یابد. کمیته‌های المپیک اروپایی با خبری از شرکت تیمهای ملی خود در المپیک مسکو پشتیبانی کردند. در حالی که کمیته‌های المپیک اروپایی (آلمان غربی، فنلاند، انگلستان، ایتالیا، بلژیک، نروژ، سوئیس، هلند، انگلستان، سوئیس، اسپانیا) اظهار داشتند که تنها کمیته‌های مسکو شرکت در المپیک مسکو خواهند کرد.

افغانستان آماده گفتمانی است

شام محمد دوست، وزیر خارجه افغانستان، گفت: «بزرگترین دشمن افغانستان زمین‌داران فئودال و اقطاع هستند. که از ایالات متحده دریافت می‌دارند. وی افزود که مردم افغانستان سیاست ضد امپریالیسم، ضد استعمار و ضد فئودالیسم دنبال می‌کنند. شام محمد دوست بار دیگر آمادگی برای گفتگو درباره سؤالات افغانستان و ایران و افغان اعلام داشت.

سوءتفاهات بایران

شام محمد دوست، وزیر خارجه افغانستان، گفت: «بزرگترین دشمن افغانستان زمین‌داران فئودال و اقطاع هستند. که از ایالات متحده دریافت می‌دارند. وی افزود که مردم افغانستان سیاست ضد امپریالیسم، ضد استعمار و ضد فئودالیسم دنبال می‌کنند. شام محمد دوست بار دیگر آمادگی برای گفتگو درباره سؤالات افغانستان و ایران و افغان اعلام داشت.

تقت بسیار فعالی دارد

گروهک دیگری که علیه انقلاب ایران و منافع خلق کردتوطئه می‌کند، گروهک سپاه زرگاری به رهبری شیخ عثمان است. این گروهک از عراق اسلحه و پول می‌گیرد و بوسیله ناصح، پسر شیخ عثمان که قبلاً در دیار شاه بود و اکنون در بیاره عراق، نزدیک به مرز ایران ساکن است، اسلحه و پول‌های ارسالی عراق را دریافت می‌کند. «گومه‌له» و یک گروهک دیگر، با سپاه زرگاری رابطه نزدیک دارند و هر دو عده‌ای را از میان خود به داخل «هیئت سیاسی» این گروهک فرستاده‌اند. ما بار دیگر به کلیه نیروهای میهن‌دوست و انقلابی در هر دو سو هشدار می‌دهیم: مذاکرات صلح کردستان که به پهای زیبایی جدی هم برای خلق کرد و هم نیروهای خلقی سراسر ایران به کف آمده، باید با تلاش همه‌جانبه و مسئولانه همه نیروهای انقلابی راستین قریحاً مطلوب بیاید. توطئه‌چینان را باید با قاطعیت افشا، منفرد و سرکوب کرد و اجازه‌نداد تا ماجراجویی‌های آنان به ثمر نرسد. ضدانقلاب هم‌بند ارتش و نیروهای دولتی و هم در کردستان پنهان می‌سازد. باید با افشا و طرد این حادته‌سازان، مردم را در هشدار و آگاه کرد و توطئه‌چنگ را عقیم گذارد. مذاکرات صلح کردستان در خطر است. تأمین خواستهای خلق کرد و گسترش و پیشرفت مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای ایران در گرو اتحاد مستحکم خلق‌های ایران و نه در رویارویی آنهاست.

خودسوزی ۲۰ دهقان در گواتمالا نتیجه سیاست ضد خلقی رژیم دست‌نشانده آمریکاست

حادثه خودسوزی دهقانان گواتمالا، خشم و تألم مردم سقارت اسپانیا در گواتمالا، خشم و تألم مردم گواتمالا و دیگر کشورهای آمریکای لاتین را برانگیخته است. این دهقانان بی‌زمین به عنوان اعتراض به سیاست سرکوب رژیم دیکتاتوری گواتمالا، که از ۲۵ سال پیش بوسیله امپریالیسم آمریکا بر خلق گواتمالا تحمیل شده است، بطور مسالمت‌آمیز وارد سفارت اسپانیا شدند و تقاضا کردند به سیاست ضد خلقی و ضد دهقانی رژیم رسیدگی شود. اما مزدوران جتایکس رژیم، که بوسیله کارشناسان آمریکائی آموزش دیده‌اند، بدون مقدمه و بدون آنکه دولت اسپانیا تقاضا کرده، سفارت اسپانیا را مورد حمله قرار دادند. دهقانان مبارز در پی حمله پلس دست به خودسوزی زدند.

تسلیم شورشیان افغانی توسط آمریکا، چین، انگلیس و پاکستان ادامه دارد

روزنامه کابل نیوتاین اعلام کرده که به ابتکار سازمان سیا اخیراً اجلاس دیشاور تشکیل شد که طی آن قلمنامه‌ای در مورد باصلاح وحدت گروه‌های مسلح افغانی تصویب رسید. این روزنامه اعلام کرده که ده‌ها کامیون حامل اسلحه هر روز از پاکستان به داخل افغانستان می‌آیند و سلاح‌های خود را در داخل افغانستان تخلیه می‌کنند. کارشناسان چینی و آمریکائی در داخل پاکستان گروه‌های مسلح افغانی را آموزش می‌دهند. از سوی دیگر یک عضو برجسته بهیبری افغانستان اعلام کرده که بعضی اینکه تهدید تجاوز خارجی در مورد امپریالیسم آمریکا، بر تری‌طلبان چین، انگلیس و پاکستان از توطئه و تجاوز آشکار علیه افغانستان دست بردارند، واحدهای نظامی محدود شوروی که برای مقابله با تجاوزات خارجی در افغانستان هستند، به کشور خود باز خواهند گشت.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

آقای نماینده وزارت خارجه در کنفرانس آمریکائی پاکستان می‌گوید: دیدی است که از نظر دولت جمهوری اسلامی ایران کنفرانس که در این کنفرانس شرکت داشتند، نمی‌توانند پس از انقلاب اسلامی ایران توافق‌یاری داشته باشند و بسیاری از آنها شدیداً طرفدار آمریکا و یا نوکر آمریکا هستند... خبرگزاری فرانسه نیز در تأیید همین نظریه، گزارش می‌دهد: «لبنی در کنفرانس وزیران خارجه اسلامی در اسلام‌آباد به شدت به آمریکا حمله کرد و سبب ناراحتی شدید هیات‌های نمایندگی چند کشور حوزه خلیج فارس... شد». (بهمن-آزادگان) حال ما بر این اساس، از وزارت امور خارجه و نماینده آن در کنفرانس آمریکائی اسلام‌آباد سؤال می‌کنیم: چگونه انتظار داشته و یا دارند که چنین کشورهایی که حتی از حمله دیگران به آمریکا دچار فاجعاتی شدید می‌شوند، علیه آمریکا قلمنامه صادر کنند و اینک نیز که وفاداری آنها به از پایشان به ثبوت رسیده است، وزارت خارجه چه اسراری دارد که حمایت این کنفرانس و تأیید بودن تشریفات وزارت خارجه را در مورد آن وارونه جلوه دهد؟ آیا وزرات خارجه حق دارد که از زبان نماینده خود بگوید: «... ما با شرکت در کنفرانس اسلامی و گرفتن قلمنامه علیه آمریکا ابزاری را برای اقدام علیه این کشور در سطح بین‌المللی به دست آورده‌ایم!» (از مصاحبه روشن است.

ضد انقلاب در کردستان...

بقیه از صفحه ۱ گروهک‌هایی که با پول و سلاح از طریق عراق تهییز شده‌اند و مجری سیاستهای جنگ افروزان آن هستند، تحریکات ضدانقلاب را که در ارتش و نیروهای حکومتی نفوذ کرده است، با هیاهوی بسیار دامن می‌زنند و برای ادامه تحریکات به آن خوراک و پنهان مناسب می‌دهد. دامنه تحریکات بدین طریق شدت می‌یابد. در کردستان گروهک «گومه‌له»، شیخ جلال حسینی و گروهک «سپاه زرگاری» به رهبری شیخ عثمان از جمله کسانی هستند که این وظیفه شوم و جنایتکارانه را بر عهده دارند. گروهک «گومه‌له»، که بویژه بوسیله افشاگرهای حزب توده ایران، هر روز مایه خرابکاری و ضدانقلابی آن مردم کرد، روشنتر می‌شود، نیز جمله آتش‌افروزان این مرکز سپاه امپریالیستی است. چندی پیش یکی از رهبران «گومه‌له» با نام مستعار «کاهو» از ایران به عراق اعزام می‌گردد تا برآمون چگونگی و شرایط کمک تسلیحاتی و نظامی عراق، مذاکراتی با دولت این کشور و پنهان‌ها بعمل آورد. در پایان مذاکرات، دولت عراق قصد می‌کند که هر نیروی را در کردستان، که بخواد علیه حکومت ایران بچنگد، مسلح سازد و بوسیله عامل سرسورده‌اش، شیخ جلال حسینی (که گومه‌له نیز رابطه وی را با پست افکار نمی‌کند)، اسلحه‌های وعده داده شده را به ایران ارسال کند. در پی این مذاکرات، در پایان هفته گذشته سه ماشین اسلحه ارسالی از طرف پست در حین عبور از مرز توسط پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران ضبط می‌شود.

چرا وزارت خارجه

حالی که کلیه قلمنامه‌های این کنفرانس، قبل از چاپ در «مردم» در روزنامه‌های کیهان، اطلاعات، آزادگان، جمهوری اسلامی و... چاپ شد و حتی یک کلمه علیه آمریکا هم در آن وجود نداشت. حتی در قلمنامه مربوط به ایران هم عریضه‌های آمریکائی یا از حد آرزوی صمیمانه برای پیوند روابط ایران و آمریکا فراتر ننگداشتند و تازه همین قلمنامه نبودند که بر اساس گزارش خبر-نگار خبرگزاری پارس، که در کنفرانس حضور داشت، «پندار یک پست طولانی و تند به تصویب رسید» بر همین اساس بود که روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۰ بهمن، نوشت:

کنفرانس اسلام‌آباد آمریکا را محکوم کرده و یا لاکنفرانس اسلام‌آباد حاضر نشد نام آمریکا را به خاطر اقداماتی علیه ایران در قلمنامه خود ذکر کند!

آقای نماینده وزارت خارجه در کنفرانس آمریکائی پاکستان سعی می‌کند با توهین و افترا به حزب توده ایران سیاست غلط این وزارتخانه را توجیه کند. غافل از اینکه این روش‌های ناشایست دردی را از وزارت امور خارجه دوا نمی‌کنند. وزارت امور خارجه باید به مردم ایران پاسخ بدهد که چرا نماینده خود را در کنار نمایندگان کشورهای ارجحانه ضد مردمی و ضد اسلامی مانند عربستان، عراق، اردن، مراکش، سوئد، عمان، مصر... (از اطلاعاتی جبهه آزادیبخش مستضعفین جهان) می‌نشانند؟

وزارت امور خارجه نمی‌تواند ادعا کند که وابستگی به ابر-قدرت شوروی مخالف این کنفرانس و شرکت نماینده ایران در آن بودند، در حالی که جبهه آزادیبخش مستضعفین جهان در اطلاعیه خود می‌نویسد:

«این کنفرانس به ابتکار شیطان بزرگ آمریکائی جتایکس و مائوئیست‌های چین سرنگ تشکیل شده که هماهنگ کننده آن وزیر امور خارجه چین است.» و دیگر نمیتوان به روال معمول وزارت خارجه اعلام کرد که در قلمنامه کنفرانس امپریالیستی پاکستان، آمریکا محکوم شده، در

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

یونانی پر معنای و نخستین سالگرد پیروزی انقلاب



ارانی

در زیر کاجهای بلند پربنده رنگ
پر سکوتی، پسایه دیوار آجری
مردی نشسته بود،
چشمان خویشرا بسوی طاق آسمان
(کانهجا، فراز زندان، گسترده بود بال)
خاموش دوخته
وز هایبوی عادی زندان گسسته بود.

در فکر آنکه چون پرسد روز دادگاه
پس دفاع شیوهی حق قد علم کند
دوخمیم خویشرا،
آنکه که با دروغ دم از اتهام زده
با حجت میرهن خود متهم کند.

در چنگ دشمنان قوی پنجه، لعظه‌ای
اندیشه‌اش نبود که جانش فنا شود
گوئی شتاب داشت:
دل را بیک پرندهی خونین بدل کند،
در مدیح زمان
بهر نجات تودهی زحمت فنا شود.

وقت فروپ چون زر خورشید شامگاه
دیوار را طلائی و گلرنگ کرده بود
پرخاست،
وان سایه‌های تیره شیب
سیمای پر صلابت او را
با نقشهای خویش پراژنگ کرده بود.

گوئی تناوری است بی‌شمار
افراخته‌تر است از این کاجهای پیر
با دست خویش نمس کند طاق آسمان
در زیر پای او
هرسو دونه چون حشرات زموچ بیم
انبوه دشمنان!

هرگه که مرد جلوهی تاریخ مصر را
در آینه‌های دل تجدید میکند
خود را که خرد و خوار و سینهج است، آنزمان
گردی سترک و قادر و جاوید میکند
ورنه بموج موج زمان، قوم بی‌شمار
آیند و بگذرند
کی با قیله‌ای که ارانی است زان شمار
اینان پرازند!

ا.ط
(نقل از مجله «دنیاه»)



دکتر تقی ارانی - بنیانگذار «دنیاه»، ۱۳۱۸-۱۳۸۱ میلادی - بهمن ۵۸



دکتر تقی ارانی با مادر و خواهرانش پس از بازگشت از آلمان (در سالهای تدریس در دبیرستانهای ایران)

وظیفه‌دار است مانند مردمک چشم
از آن حفاظت کند و آن راه‌جلو
برد.
خدمت در تداور راه ارانی
برای همه توده‌ایها و همه هواداران
حزب توده ایران قطب بساین
مناسبت:
اتحاد همه نیروها برای
تثبیت، تحکیم و گسترش
انقلاب، علیه امپریالیسم و
استعمار، علیه مستکبرین و
زورگویان و غارتگران، بخاطر
استقلال و آزادی، بخاطر
آینده درخشان کسوخ نشینان
زحمتکش و سربلندی و مناعت
انسانی آنها.
چهلین سالگرد شهادت
دکتر تقی ارانی، انقلابی و متفکر
بزرگ پایان می‌کند و هفته‌چشم-
های نخستین سالگرد انقلاب
شکوهمندان آغاز میشود. پیمان
می‌بندیم که به این راه و شاداد
خواهیم ماند.

این مشارکت فعال را طلب می‌کند،
انگاردنی نیست که افکار
و طبقات اجتماعی و نیروهای
سیاسی مختلفی در تحکیم انقلاب و
در پیشبرد آن بسوی اهداف ضد
امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی
در معنای راستین آن ذینفع هستند.
انقلاب ما به پیروزی قطعی و نهائی
خواهد رسید، اگر در امر بزرگ
اتحاد همه این افکار و وحدت عمل
کلیه این نیروها موفق شود. ادامه
دهندگان راه ارانی، یعنی حزب
توده ایران و کلیه هواداران و
دوستانش در همین جهت و برای
ایجاد جبهه متحدی که بتواند همه
خلق، همه نیروهای ضد امپریالیستی
صدیق و خلقی و راستین
را در بر گیرد و سر نظر از عقاید و
نظرگاههای مسلکی، آنها را در
راه تحکیم و پیشبرد انقلاب ایران
یکانه سازد، خواهند کوشید.
این همان راهیست که ارانی در
نبرد بارشخان آغاز کرد، نسل
ما در نبرد علیه محمد رشای
فاجر و وابسته به قمر رسانید و حالا

گفت و سلطنت و ساواک و اردشیر
را که شکست ناپذیر می‌نمود، درهم
کوبید و با همت و درایت و هدایت
امام خمینی، بزرگمردی که به
خلق تکیه داد و خواست خلق را
هر چه خود کرد، به پیروزی رسید،
همانطور که ارانی و ادامه
دهندگان راه ارانی در این جبهه
سال، در تدارک و انجام انقلاب
ایران و کوبیدن بساط سلطنت
منفرد پهلوی‌ها و امپریالیسم پشیمان
آن سهم شایسته‌ای داشته‌اند، از
این بیدم ادامه دهندگان راه
ارانی، یعنی اعضا و هواداران و
دوستان حزب توده ایران، در
دفاع از دستاوردهای انقلاب و
تحکیم مبانی ضد امپریالیستی و
خلق آن، در پیشبرد آن، در بنای
ایرانی مستقل و آزاد و شکوفان،
سهم شایسته خود را - علیرغم
مشکلات - آدا خواهند کرد.
وفاداری به ارانی، به آرمان
او و به راهی که او در خدمت به
میهن و مردم زحمتکش برگزید،

امروز، ۱۲ بهمن، ۴۰ سال از شهادت انقلابی
بزرگ، دکتر تقی ارانی، مبلغ پر شور و سوسیالیسم علمی
سازمان دهنده برجسته فعالیت‌های حزبی و اجتماعی
بگذرد. او مبارز خستگی ناپذیر و دانشمندی
بالقدر بود. بدنبال راه و آرمان اوست که دوسال
پس از مرگش، حزب توده ایران توسط همزمان،
مترجمان و شاگردانش تاسیسی یافت و بدنبال
سونه افتخار آفرین زندگی و شهادت تاریخ ساز
است که کارگرانی چون علی امید، دهقانانی چون
سهدی محمد کریمی، افسرانی چون خسرو روزه،
فرماندانی چون مرتضی کیوان، دانشجویانی چون
دانشک تیزابی و صدها و صدها تن دیگر از نهضت
ده‌های پر خاستند و در راه استقلال و آزادی ایران
برای سعادت و سر بلندی مردم زحمتکش میهن‌مان
جان باختند. جان باختند تا شعله نبرد را همواره
روزان نگهدارند و بسا خون گرم و سرخ خویش
تا ابد بیکار خلقی که هرگز از یاد نایستاد شهادت
شان.

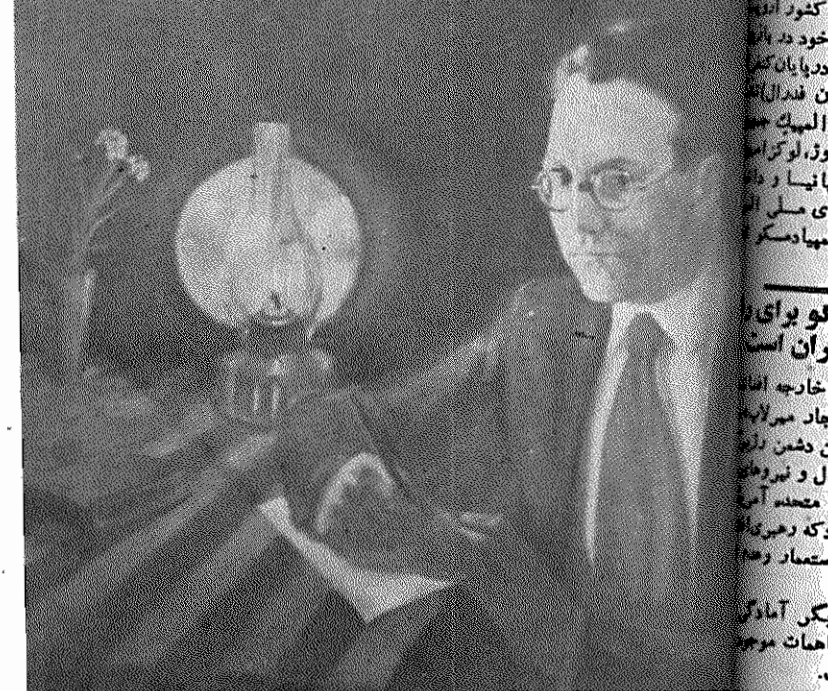
زندان که در سیاهای رضاشاهی
و محضر رضاشاهی سپری شده، ساعات
هولناک شکنجه‌های تجاوزگرانی
که تا پزانو در آمدن در خمسان
پلید پایان نیافته، روزها و هفته‌ها،
ماها و سالهای سیاه و دشواری که
قهرمانان نامدار و گمنام از زمین
و شایسته‌های کاخ ستم و وابستگی،
غارت و دست نشاندگی و فساد و
نوکرفتنی شربه زدن، به فساد و
نرفته‌اند، آری، خونها و مبارزه‌ها
بهدر نرفته و ما امروز که چهلین
سالگرد شهادت ارانی را بر گزار
می‌کنیم، می‌بینیم که چه اندازه
کوشش و یکسری، درایت و
پایداری، از خود گذشتگی و
شهادت لازم بوده تا سر انجام پس از
چهل سال پیروزی بر غول سلطنت
و ارتش شاهنشاهی و ساواک آمریکایی
و بر شیطان بزرگ - امپریالیسم
آمریکا بدست آید.

پیروزی انقلاب و سرنگونی
سلطنت، این نهاد منفوری که لاقط
۲۵۰۰ سال چون پختک بر جان
میهن ما و مردم ما افتاد بود، ریشه
در نبردهای قرون دارد. اعلامیه
کمیته مرکزی حزب توده ایران
بمناسبت پایان انتخابات ریاست
جمهوری این ریشه‌های عمیق را
خاطر نشان می‌سازد و بر تحول کیفی
آن در ۶ سال اخیر بشکل مبارزه
در راه شکل حکومتی جمهوری
تکیه میکند، که در این میان،
دوران ۴۰ ساله اخیر از شهادت
ارانی تا کنون، دورانی بارز است.
همین ریشه‌ها، که از اعماق جان و
خواست مردم مسا می‌می‌گیرد،
بهم پیوست و به چنان نیروی
عظیمی بدل شد که شکست ناپذیر

ی. حزب کمونیست کرده است.
لت در این زمینه،
یونان ماجراجوی
مریکا را که
بایه یونانی را به
هد کرد. نماینده
از دولت آن کشور
خواستی، که در واقع
ست، سر بازند.
ک ده کشور اروپایی که در این چهل سال
یاست ارباب کار
شوکت خواهند



گاه به یاد ارانی در دانشگاه صنعتی شریف



شرفی که نمی‌خواهند در
نی کاترین بروند، از

المیک ۱۰ کشور اروپایی
تهیهای ملی خود در
بانی کردند. در پایان
ماین (آلمان فدرال)
تهای ملی المیک
اپلویک، نروژ، لوکزامبورگ
سوئیس، اسپانیا و دان
تها کمیته های ملی
رکت در المپیک
ما.
ماده گفتگو برای
نمات با ایران است
وست، وزیر خارجه افان
وزنامه دماچار میرلاب
، بزرگترین دشمن رژیم
بازار فودال و نیروهای
که از ایالات متحده آمریکا
بدوی افزود که رهبری
تالیسم، ضد استعمار و

دوست پادشاهی آماری
در راه سوءتفاهات موجب
اعلام داشت.

صدائی می آید

صدائی می آید: غرض ابری است که زبانی را به زمین هدیه می کند. پیام سبز بهاری است که گره رشد را در گلوی سبزه می کشاید. و رسولی است که در قصب العجیش ستاره سرخی است، که فاصلهها را نابود می کند، و عاشقان را عاشق تر، و جادهها را هموارتر، و زیستن را زیباتر می سازد.

صدائی می آید: همیشه ای بزمان پایا که مرگ را بسمل می کند، و زیستن را جاوید، و خزان را - که مادر یاس است - با نیزه های تفته خورشید به تاراج می دهد.

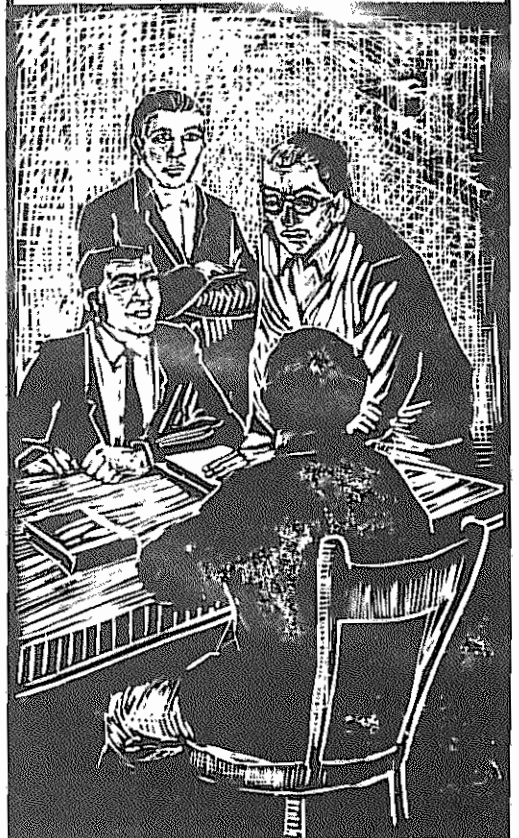
صدائی می آید: بی آنکه رگ سبز برگ را بیازارد کوه را می شکافد و استواری را با قلب داغ آن پیوند می زند. و کویر را به میهمانی دریا و سنگستان را به تماشای باغ و تاول را به خانه آینه می برد.

صدائی می آید: پتگی است که بر فرق سرمایه می نشیند و دانی است که خارستان فقر را درو می کند.

صدائی می آید: صدائی می آید: صدائی می آید: از نه توی بیجا بیج حسار: طوفانی است که خیز آب را جبهال می کشد، دیباجه آلبانوس است که قطره راء بی نغونی، در آغوش می کشد. پیام سرخ طلومی است که شکست ظلمت را فریاد می زند.

و من اینک نسلی نو که روشنی را جز از دریچه سیاه دروغ نمی دیدم نهال خردی هستم در جنگلی بزرگ که نور را می شناسم و می بینم و می دانم که با شکست شب صدای گلپانگ می شود. و آفتاب اوج می گیرد.

طارم سربلند
دسام ۱۳۵۸



تشکیل حوزهها (۱۳۱۳)

دکتر تقی ارانی

چهره های درخشان دین

تقی ارانی در سال ۱۲۸۱ در تبریز در خانواده کارمند جزء وزارت دارایی چشم به جهان گشود. این زمان مصادف بود با دوران تدارک انقلاب مشروطیت ایران (۱۲۸۳-۱۲۸۹)، که انقلابی بود علیه سلطنت مطلقه فئودالی و تسلط روز افزون امپریالیستی بر ایران. به سبب انتقال پدر به تهران، ارانی کوچک در اینجا وارد مدرسه ابتدایی میشود. اولین سال تحصیل او مصادف با اوج انقلاب است که بر اثر مداخلات مستقیم دولت امپریالیستی سرکوب و ناتمام میماند. هنگامیکه ارانی وارد مدرسه متوسطه میشود، جنگ جهانی اول (۱۲۹۳-۱۲۹۷) مبین او را علیرغم اعلان رسمی بیطرفی پیمان تاخت و تازار تشارهای «متحدین» و «متفقین» مبدل کرده است. اما توده های مردم علیه امپریالیسم و دولت های دست نشانده آن مبارزه میکنند.

در مجله «دنیا»، هنگامیکه فاشیسم و نظریه نژادی آنرا مورد انتقاد کوبنده ای قرار میداد، وضع کارگران آلمانی را در محیط طبقاتی آن روز متذکر شده نوشت:

«روزنبرگ که باید با ترهات خود برای رژیم فاشیست تئوری عملی ایجاد کند، خوبست که به محله های وسط و شمال شهر برلن، کشاید هیچوقت گذر نکرده است، برود، تحت تأثیر فقر و فلاکت، تنزل اخلاقی، پنهان شده به آبیرو، مسکن کردن توده وسیع در خانه های تنگ و تاریک، انحطاط، بواسطه همکاری یا کار در فضای مسموم، یک فرد آلمانی که بقیه وی مافوق تمام نژادهاست، مثل اینستکه مسخ و از حالت انسانی خارج شده باشد».

در سال های تحصیل در دانشگاه برلن، ارانی به عضویت «جمعیت مبارزه علیه دیکتاتوری» که بوسیله ایرانیان مهاجر جهت مبارزه علیه تدارک دیکتاتوری رضاخان تشکیل شده بود، درمی آید و در داخل این جمعیت از جناح مترقی و رادیکال آن دفاع میکند، او جهت پیشبرد و ترقی روند اجتماعی را بدرستی درک میکند و همواره در این سمت آتیهاز پلان انحراف پیش میرود.

سهی ارانی بدفاع از منافع و آمال زحمتکشان و مستضعفان کمر می بندد، به حزب طبقه کارگر ایران می پیوندد، همراه خود بسیاری از دموکرات های انقلابی را برآه انترناسیونالیستی طبقه کارگر می آورد.

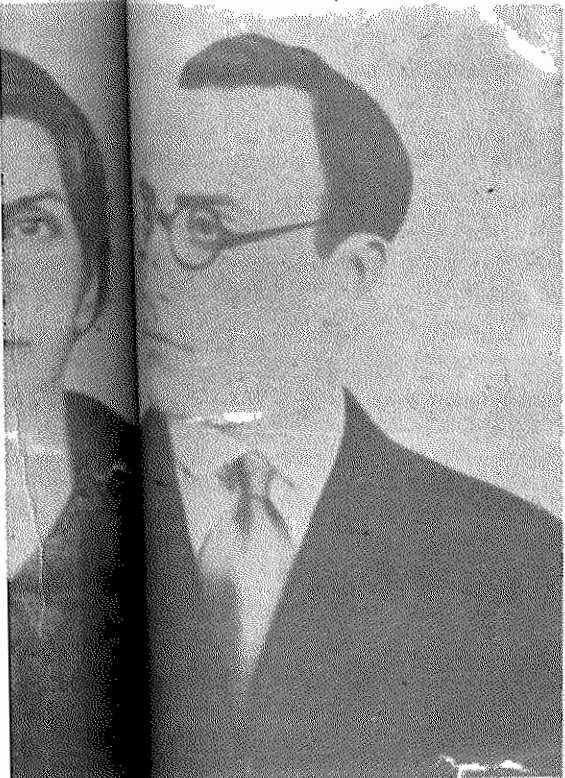
بر خلاف ادعای کاسیکه فعالیت ارانی را «بطور کلی یکطرفه»، «محدوده قلمرو تئوریک» و «عقیم و نازا» قلمداد میکنند، او از همان زمان جوانی به فعالیت عملی اجتماعی و سیاسی می پردازد، به کار سازماندهی مشغول میشود و با گروه های مترقی دانشجویان و جوانان ایرانی مقیم دیگر کشورهای اروپا تماس برقرار میکند. در عین حال به پژوهشهای خشکی ناپذیر علمی می پردازد که به پیاوردش نه فقط جلدهای متعدد کتاب از سلسله اصول علوم دقیقه، تا مقالات سیاسی و نظری و

اولین سال های جوانی ارانی (و درود به دوره دوم متوسطه) مصادف با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر است (۱۲۹۶) که دوران نوین تاریخ بشر را گشود. درسی ایسن پیروزی جهانشمول و تحت تأثیر اندیشه های آزادیبخش انقلابی، جنبش رهایی بخش ملی ضد امپریالیستی در ایران (انقلابات گیلان، آذربایجان، خراسان) در سال های ۱۲۹۶-۱۳۰۰ اوج می گیرد.

ارانی هیچده ساله در تظاهرات و نمائشهای اعتراضی توده های مردم علیه قرارداد اسارت بار ۱۲۹۸، که وثوق الدوله با انگلستان امضا کرده بود، شرکت میکند. سال بعد، پس از ختم تحصیلات متوسطه، وارد دانشگاه طب تهران میشود. اوایل تابستان این سال (آخر قرارداد اوایل تیر ۱۲۹۹) در مجموعه انقلاب گیلان، حزب کمونیست ایران رسماً تأسیس خود را اعلام می کند. در همین سال برای اولین بار در تاریخ ایران، شورای اتحادیه های تهران تشکیل میشود مبارزه انقلابی طبقه کارگر بصورتی متشکل تر و آگاه تر گسترش می یابد. ایران در جوش انقلابی علیه امپریالیسم و حکومت های دست نشانده آنست.

در سال ۱۳۰۱، بقصد ادامه تحصیلات عالی، ارانی عازم آلمان و سال بعد وارد دانشگاه فلسفه دانشگاه برلین میشود. در این زمان جنبش انقلابی طبقه کارگر آلمان در حال اوج است. اعتصابات کارگری و تظاهرات توده ای خلق به رهبری سوسیال دموکرات های انقلابی گسترش یافته و پیروزیهای نیز کسب کرده است. ارانی به سبب وضع نامساعد خانوادگی برای ادامه تحصیل مجبور به کار کردن میشود. او بشکل مصحح در مطبوعه مجله «کار»، که بوسیله دموکرات ها و سوسیال دموکرات های مهاجر ایرانی در برلین منتشر میشد، بکار وارد میشود.

آشنایی مستقیم با زندگی کارگران تأثیر عمیقی در روح حساس ارانی باقی گذاشت. بعدها



دکتر تقی ارانی

البته این یک پدیده نوری است که با این نام شناخته می شود. در ایران بود که تقی ارانی با نام جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم با حالات بی در یک متدلوژی پژوهشهای علمی و تحقیق و طبیعی و اجتماعی بکار برد. در این سال کنگره در تبریز و شوروی در سال ۱۳۰۱ که تمام کنگره آرومها در آنجا خود میداد مبارزه گر و فعال داخلی (۱۳۰۲) را به تصویب فعالیت سازمانی و تبلیغی در جمعیت ارانی دا سال های ۱۳۰۱-۱۳۰۲ به صورت فاشیسم در جان تازه ای بخشید. (از کنگره ملی (دران) «حقیقت»، «خلق»، «انصاف» رضاخان قلد غیره، که تادوسه سال پس از آن مرکز فعالیت گیلان، آذربایجان و خراسان به طبع واسطه پیوند از فعالیت باز داشته شده بود. «انصاف» حقایق خود و سپس روزنامه «پیکار» در مهاجران در برهبری ارانی تا زمان مراجعت به کشور است به مین، ارا «پیکار» و «نفت» همکاری داشت به مین، ارا

داشت از
کتر تقی
کتاب ۱۲ بهمن
ای بزرگداشت
ن ورزش دانشا
واداران حزب
موت میشود که
گاه به
منتشر
نابست روز
«دنیا»
سال های ۱۳
رهبری و
کتر تقی
دو عکس از ناهت
انتشارات حزب



وفاداران به راه ارانی

یمناسبت ۲۴ بهمن سالروز شهادت رهبر زحمتکشان ایران را آموختیم... این دانشجویان دانشمند برجسته مارکسیست دکتر شریف و مبین دوست خودشان را تقی ارانی نامه های بدقت «مرد» شایسته بکتب ارانی رهبر خردمند رسیده، که طی آن اعضاء و زحمتکشان معرفی می کردند... وفاداران حزب توده ایران و میادیم که این انسان معجز و دوستداران ارانی مراتب احترام عقیق خود را به نام جاویدش ابراز میدارند. آقای اباذر برنگی رسید. من که این سوادخوانند و نوشتن را که ملاحظه می کنید شایگردانی آموخته ام هرگز تا آخرین لحظه زندگی من این انسان شرافتمند را از یاد نخواهم برد»

فرارسید. عده ای از دانشجویان جوان دانشگاه بکارگاه آمدند و بدون هیچ توقی با خواندن و نوشتن می آموختند... آنها می گفتند که ما انتخاب میکنیم که بشما دانش بیاموزیم... پس از سه ماه داده اند.



راه ارانی، راه حزب او، راه طبقه کارگر ایران، راه همه مبارزان پیشروی ضد استثمار و ضد استعمار، راه تحول بنیادی جامعه کهنه و سازندگی جامعه نو، راه اخلاق، علم و عمل است



تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران

کمونیستی ایران

ارانی عضویت سه نفری (مأمور کلرین روشن- فکران) و مجله «دنیا» (از شماره ششم) ارگان رسمی حزب کمونیست ایران است. در صفحات این مجله است که آثار پرارزش ارانی نظیر «عرفان و اصول مادی»، «بشر از نظر مادی»، «ماتریالیسم دیالکتیک»، «جبر و اختیار»، «زندگی و روح هم مادریست» و غیره پدید آمدند.

در نتیجه فعالیت دکتر ارانی و یارانش، در سالهای ۱۳۱۳-۱۳۱۴ چندین اعتصاب در دانشگاههای تهران علیه محیط اختناق و ترور رضاخانی روی داده که اهمیت خاصی داشت. تا سال ۱۳۱۴ که وزارت فرهنگ بقصد مناعت از انتشار مجله «دنیا» بایک بخشنامه کارمندان دولت را از حق انتشار مطبوعات محروم کرد.

امسا فعالیت سیاسی و اجتماعی ارانی و یارانش قطع نشد. پلیس رضاخانی که بر تلاش خود علیه مبارزه دانشجویان افزوده بود. اوایل سال ۱۳۱۵ عده‌ای را دستگیر و زندانی کرد و بالاخره توانست ارانی و عده‌ای از یارانش را توقیف و زندانی کند. لیکن آنها در زندان نیز بمبارزه خود ادامه میدادند. رضاخان که میخواست «گروه ۵۳ نفر» را نیز مانند خیلی گروه‌ها و شخصتهای سیاسی دیگر بدون محاکمه در زندان نگهدارد، مجبور به تشکیل «دادگاه» شد. لیکن این بیدادگاه که در آبانماه ۱۳۱۷ تشکیل شد، در حقیقت بیدادگاهی علیه رژیم ترور و اختناق پهلوی مبدل گردید. دکتر ارانی در دفاعیه شش ساعته، با صداقت و شجاعت خاص خود نه تنها داغ تنگ بر رژیم خودکامه و مزدور صفت پهلوی زد، بلکه بدفاع از اندیشه‌های سوسیالیسم برخاست. او با اشاره به «قانون سیاه» منع تبلیغات کمونیستی در کشور گفت:

«تصاحب بدهید، آیا اشخاصیکه قانون سیاه را وضع کرده‌اند، صلاحیت این کار را داشته‌و یا راجع بافکاریکه لادغن کرده‌اند، کوچکترین رساله‌ای هم مطالعه کرده‌اند. بطور یقین نه، والا مرتکب این جنایت نمیشدند... چطور میتوان عقایدی را لادغن کرد که ریشه علمی آن با آغاز جامعه بشری شروع شده در جمیع شعب زندگی فردی و اجتماعی از روی اصول و پایه‌های کاملاً علمی و منطقی اظهار نظر مینماید... واقعا شرم آور است که تمام پرونده‌های متهمین این دسته پر است

تدریس علوم فیزیک و شیمی در دبیرستانهای تهران پرداخت و از روز نخست محبت قلبی و احترام عمیق دانش آموزان را بخود جلب کرد. سپس او را بریاست اداره تعلیمات منصوب کردند که تا روز توقیف در این سمت باقی بود. در همین حال او امتیاز مجله «دنیا» را گرفت و پیاری عده‌ای از یاران و همزمانش به انتشار آن پرداخت. بدین ترتیب تقریباً پس از ده سال که از تملک ارگانهای مطبوعاتی حزب کمونیست و اتحادیه‌های کارگری در ایران میکشید، برای اولین بار مجله‌ای علمی برای ترویج جهان بینی علمی انقلابی در تهران منتشر میشد. «دنیا» (تا اواسط سال ۱۳۱۴ رو به رفاه ۱۲ شماره منتشر شد) در همین حال یگان جمع و مرکز سازمانی نیروهای مترقی و انقلابی کشور مبدل گردید.

از سال ۱۳۱۳، که طبق تصمیم کمیته‌های ایران در مهاجرت، مرکزی جهت تقویت واحیای فعالیت سازمانی در کشور تشکیل میشود، دکتر

نیده نوی در تاریخ کارگران ایران بازگشت که رضا ان بود. برای اولین بار با لیس انکلیس و سپس کیم - لنینیسم در میان بی در پی به جنبش زویشهای علمی در نظر و تقیب و ترور رجال و بی پکامیرفت. همین دوست و مترقی توانسته ل کتیکر و حزب کمونیست را سازماندهی، مجلس شورای بره آرومیه سرورن بسازد و مبدل کند و «قانون پای داخلی حزب را برای بنامویب رساند. مانی و تبلیغاتی در میان ارانی در این هود که ۱۳۰۲-۱۳۰۳ رو به پیشرفت داشتیم دست پیرونده بخشه، (ارگانهای علمی (در اینها) آلمان، اخلاق، «اقتصاد ایران» ماخان قلندر مقلد فاشیم بوسه سال پس از آن که فعالیت در کشور برپا پایمان و خراسان بر سر خط پیوند تاریخی آن زداشته شده بودند. سفری که امروزه پس از زمام «پیکر» همه طایفه خود را با فداکاری ر مهاجرت در آلمان بربری امام خمینی زمان مراجعتش در آلمان به «پیکر» ارانی ابتدا به «نهفت» همکاری داشتند.



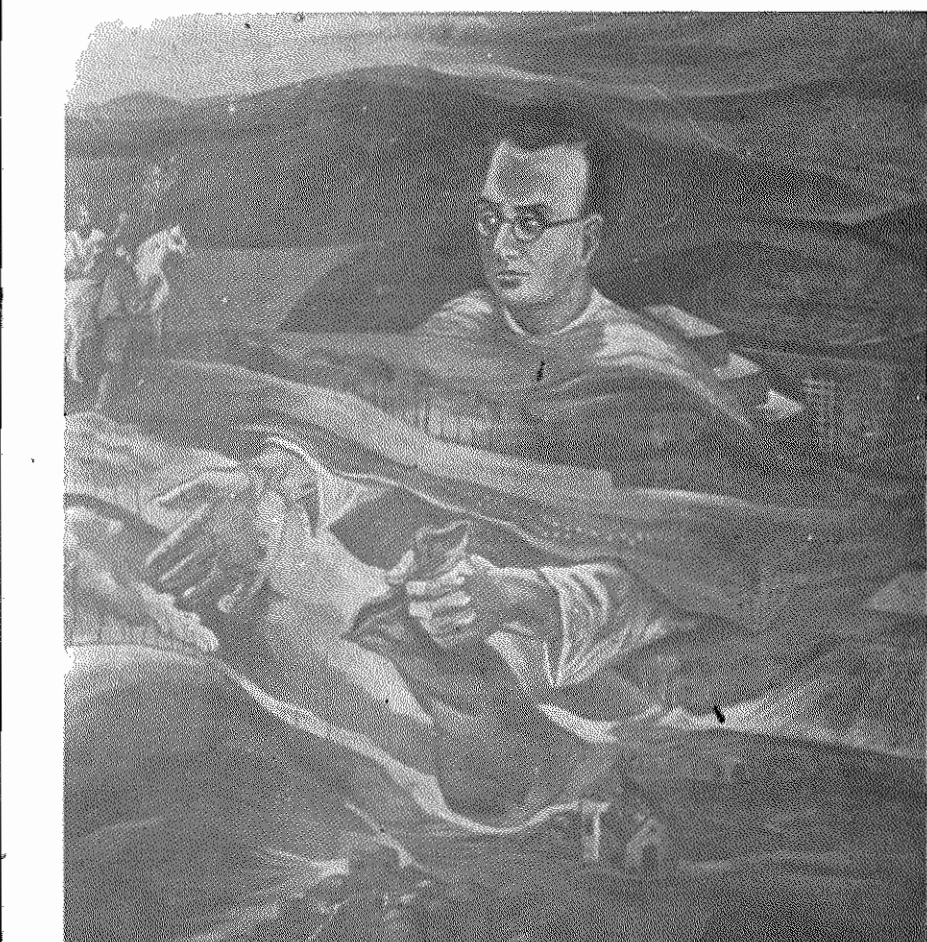
رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، بمناسبت سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی، از خواهر وی، خانم کوکب ارانی، دیدن کرد و همدردی و همبستگی حزب توده ایران را اعلام داشت.



دکتر تقی ارانی بمثابه دانش آموز دبیرستان در آستانه سفر به آلمان برای تحصیل



دکتر تقی ارانی در سالهای



ت انقلابی بزرگ
تقی ارانی
۱۲ بهمن ماه، ساعت ۵ بعد از ظهر
رگداشت انقلابی بزرگ دکتر تقی
ر دانشگاه صنعتی برگزار میشود.
ر حزب و همه عناصر میهن دوست و
ر شود که در این مراسم شرکت جویند
به یاد ارانی
۲۰ بهمن ماه روز از ساعت ۷ تا ۹ بعد از ظهر
رنگاهی ب یاد دکتر ارانی، رهبر زحمتکشان
ر شریف، محوطه تالارها، برقرار است.
ر عوت می کنیم که از این نمایشگاه دیدن کنند.
ر و دانشجویان دمکرات ایران
منتشر شد
روز ۱۴ بهمن
«دنیا» در ۱۲ شماره
های ۱۳۱۲-۱۳۱۳
بری و مدیریت

حامی زحمتکشان، حزب توده ایران



آنروز ۱۳ بهمن ۱۳۵۷ بود. روز قبل مطالعه کتابی از «ارانی» را پایمان رسانیده بودم. ناگاه دریافتم که فردا ۱۴ بهمن سالروز شهادت این متفکر بزرگ است. مادرم دفتر کهنه‌ای را بدستم داد و گفت: «در مبارزات پسر دامنه توده‌ای در سالهای قبل از ۱۳۳۲، هرگاه فرصتی مییافتی، سخنان رهبران جنبش‌های کارگری را در آن درج میکردم.»

همین روز آن خبر لحظه شهادت یک توده‌ای پیوسته است. اما از این عکس‌العمل خود نیز متمجب شدم. چندین نفر از اوایی گفتند، سخنران بعدی در گفته‌هایش به کشورهای سوسیالیستی حمله کرد و عده‌ای به او اعتراض کردند. به تریبون نزدیک شدم. در میان این هیاهو مردی روبه‌م من کرد و به منی که در دستم بود اشاره کرد و گفت: «آیا شما شمری دارید که بخوانید؟ من برای این که از این تشنج جلوگیری شود، گفتم، بده.»

پس از چند لحظه که آرامش برقرار شد، شمر را برای جمعیت قرائت کردم. هنگامیکه شمر را میخواندم، گویی چیزی ضحک میکرد، چیزی متولد میشد. در پایان شمر، این گفته «ارانی» را بازگو کردم: «در جریان تاریخ شط مقدس و روشنی‌ست که به دریای تکامل می‌ریزد. بگذار تا در این شط مقدس از قطراتی باشیم که به دریای می‌ریزد نه از آنهایی که در لجن‌کناره، آلوده و گندیده می‌شوند.» آری، باید به دریای تکامل

دعوت را گشودم. اینها کلمات گرانقدر مارکسی، انگلیسی، لنینی، رهبران حزب توده ایران و دیگر احزاب کمونیست جهان بودند. در میان آنها سخنان علی وحسین و دیگر رهبران آزاده اسلام هم پوشش میخورد. یکی از این گفته‌ها که مرا بیش از همه مجذوب ساخت از سخنان دکتر تقی ارانی بود: «جریان تاریخ شط مقدس و روشنی‌ست که به دریای تکامل می‌ریزد. بگذار تا در این شط مقدس از قطراتی باشیم که به دریا می‌ریزد نه از آنهایی که در لجن‌کناره، آلوده و گندیده می‌شوند.»

به ساعت نگاه کردم. ۱۱ شب را نشان میداد. اما دیگر مجالسی برای دیگر کارها نبود باز چیزی مرا باید شمر «ارانی» را می‌سرودم. احساس کردم در قالب دویستی پیوسته بهتر میتوانم ادای سخن کنم. چند ساعت بعد شمر راه پایمان رسانیدم و پایاده «ارانی» به خواب رفت.

فردای آنروز برای جهمیلی روز شهادت استاد نجات‌اللهمی به سوی بهشت‌زهر حرکت کردم و در تمامی طول راه تنها بودم. به مارکسیسم-لنینیسم-اسلام-انترناسیونالیسم اعتقاد داشتم! اما همیشه سوخته‌فام‌های تاریخی مرا از حزب توده ایران بر خنجر میداشت به بهشت‌زهر که رسیدم، بارانسی سنگین می‌بارید. تا آخرین لحظه‌های مراسم در آنجا حضور داشتم. دلم میخواست به امامزاده عبدالله بروم. از خانمی پرسیدم: «آیا کسی از اینجا بر سر مزار «ارانی» خواهد رفت؟ لیکندی زد و گفت: مگر شما هم نمی‌آید؟ پاسخ دادم: آری، اما نه وسیله‌ای دارم و نه میدانم چگونه و از کجا باید رفت؟ او گفت: ما هم همسر و فرزندم بیایید، که ما هم می‌رویم. با خوشحالی پذیرفتم. به امامزاده عبدالله که رسیدیم دیگر آنها را نیافتم. از آسمان دیگر باران نمیبارید. حتی از انبوه ابرها نیز کاسته شده بود. نمیدانم چه کسانی این مراسم را برپا کرده بودند. زیرا از تریبون عقاید متفاوتی عنوان میشد. پسری که نزدیک من ایستاده بود به دوستانش گفت: «بر خلاف گفته‌های سخنران قبلی، روزیبه توده‌ای نبود...» من بتدبیر برآشتم. آخر چگونه می‌توان این چنین بی‌پروا دروغ‌گو بود همه میدانند که روزیبه



هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران: رفقا، دکتر حسین جودت عضو هیئت سیاسی و ابوتراب باقرزاده عضو هیئت سیاسی بر مزار دکتر تقی ارانی دسته گل کمیته مرکزی حزب توده ایران اهداء کردند

مراسم یادبود بر مزار دکتر تقی ارانی

صبح دیروز مراسم یادبودی بر مزار دکتر تقی ارانی، انقلابی بزرگ، در امامزاده عبدالله برگزار شد. در این مراسم ابتدا دکتر حسین جودت و رفیق ابوتراب باقرزاده اعضای هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران دسته‌گلی نثار آرامگاه ارانی کردند. پس از آن سرود حزب توده ایران توسط حاضران در مراسم خوانده شد. سپس حاضران در حالیکه شعار می‌دادند: درود بر ارانی، رهبر زحمتکشان درود بر شهیدان حزب توده ایران درود بر شهیدان راه استقلال و آزادی ایران به طرف مزار افسران شهید عضو حزب توده ایران رفتند و دسته‌گلی بر مزار این شهیدان راه استقلال و آزادی ایران نهادند.

کارخانه تهران - لندن بویک (ایران پوس): کارگران و مشکل استثماری

کارخانه آجر تهران - لندن بویک، که سرمایه آن ترکیبی است از سهام بخش خصوصی، یعنی سرمایه‌داران صنف فخار (۶۰ درصد)، سهام دولتی توسط بانک اعتبارات صنعتی (۲۰ درصد) و سهام انگلیسی (۲۰ درصد)، شعبه کارخانه لندن بویک در ایران است. تولید کارخانه بطور عمده به وسیله ماشین انجام میشود. قبل از انقلاب بایک کوره و با نظارت انگلیسیها روزانه حدود ۲۵۰ هزار آجر تولید میکرد. بعد از انقلاب یک کوره دیگر آن نیز بکار افتاد و به همین نسبت تعداد پرس بیشتری وارد تولید شد، که قاعدتاً میبایست ۵۰ هزار آجر تولید کند. ولی انگلیسیها ایران را ترک کردند و کارخانه دچار اشکالات بسیاری شد. اولاً آنها بهیچوجه تخمس خود را انتقال ندادند، ثانیا ازارسال قطعات و لوازم یدکی خودداری کردند.

جریان تاریخ شط مقدس و روشنی‌ست که به دریای تکامل می‌ریزد. بگذار تا در این شط مقدس از قطراتی باشیم که به دریای می‌ریزد نه از آنهایی که در لجن‌کناره، آلوده و گندیده می‌شوند. از سخنان دکتر تقی ارانی

ناخدا

رود فراخی بسوی پهنه دریا در پر یک راه پرمخاطره جاریست با هدفی پرشکوه و سختی بیگیر در دل هر قطره‌اش گرمی‌باریست رود فراخی که زندگانی انسان با طیش قطره‌های آن زده پیوند می‌رود اکنون بسوی بحر تکامل گاه پریشان خیال و گاه خوش‌آیند گرچه گروهی ز قطره‌های خطاگر مانده بجا در کناره‌های گل‌آلود لیک دلیران پرخروش در امواج جمله روانند زی کرانه مقصود رهبر دریا دلی که بود «ارانی» پیشتر از دیگران رسید به دریا آن سفری ناخدا کیستی دیروز گفت به پویندگان راهی فردا گردش تاریخ رودماست که امروز می‌رود و می‌رسد به بحر تکامل گمشده در گل میاش و یکسره آن باش آن که به دریا همیشه داشت تسلسل!

سپیده سامانی
۰۷۱۱۱۳

توجه!

نخستین سالگرد انقلاب بزرگ که در یکسال قبل از پیروزی و تاریخی مردم ایران نزدیک است. از تمامی دوستان، هواداران و اعضای حزب خواهش میکنیم که هرگونه اطلاع و خاطره‌های زیباترین از دوران یکساله انقلاب را در روزهای ۲۰ و ۲۱ به روزنامه «مهر» ارسال کنید. در روزهای ۲۰ و ۲۱ به روزنامه «مهر» ارسال کنید. «مهر» به پویندگان راهی فردا، سازمانها و گروههای مختلف،

«مردم»

برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» در نظر دارد عکسهای تمام‌مبارزانی را که در دوران سلطنت تنگین و متفرد خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود به شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری کند. از همه میهن‌دوستان و آزادی‌خواهان تقاضا میشود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

«مردم»

لیست ساواکی‌ها را منتشر کنید!

سنت‌هایی از مصاحبه فیدل کاسترو:

غلاب ایران از پشتیبانی نیروی مردمی بیکرانی برخوردارست

آینده انقلاب ایران را چگونه می‌بینید؟ کاسترو - انقلاب ایران از پشتیبانی نیروی مردمی بیکرانی برخوردار است. انقلاب توانست شاهرگه که قویترین و مهم‌ترین ارشدهای منطقه را داشت با خالی شکست دهد. ملت ایران با حمایت نظیری چنگید و هزاران هزار شهیدان، من معتقدم که انقلاب ایران هم در جنبه های نیرومند مذهبی و ملی در حفظ خواهد کرد.

بسیار حمایتی که شما از شوروی می‌کنید چگونه میتوان شما را غیرمتمدن خواند؟ کاسترو - اگر کشورهای غیرمتمدن بودند که کوبا حافظ منافع شوروی در مرکز این چنین از حمایت برخوردارند ۹ کشور در سازمان ملل برای ما در شورای امنیت پشتیبانی کردند. ما از آنرو با اردوگاه سیاست رابطه داریم که در برابر فشار آمریکا مارا حمایت کرد. اما شما تصور می‌کنید که بدون کمک وجود خارجی داشته باشد اگر با کمک نمی‌کردند مثل ساکنان

بومی این سرزمین در برابر فشار خارجی نابود می‌شدیم. از اینرو ما با همکاری که روابطی دوستانه را با شوروی داریم ما با همپیمان و روشنیوسته ایم و به هیچ پیمان نظامی هم ملحق نشده ایم. جوه عدم تمهد اینست که شوروی نباید به هیچ بلوک نظامی بستگی داشته باشد و لازم است به اصولی علیه امپریالیسم و بطرفداری از جنبش‌های آزادیبخش معتقد باشد.

شهر خلخال بیمارستان و پزشک ندارد

شهر خلخال بیمارستان و پزشک ندارد و بیماران این شهر برای معالجه باید به پارس، تبریز و تهران بروند. یکی از بیماران خلخال، که در یکی از بیمارستانهای جنوب شهر بستری است، در مورد کمبود امکانات درمانی خلخال می‌گوید: «من از خلخال برای معالجه به تهران آمده‌ام. از خلخال تا اینجا ۷۰۰ تومان کرایه داده‌ام که برای من مقدار زیادی است. بخصوص اینکه شهرم از یک سال قبل بیمارستان و اخیراً برای پیدا کردن کادر به جاهای رفته‌است. از این گذشته ۵ فرزند خود سالم را نیز در خلخال تنها گذاشته‌ام و برای معالجه به تهران آمده‌ام. در حالیکه اگر در خلخال دکتر و بیمارستان داشتیم، لازم نبود که برای معالجه به شهرهای دیگر برویم.»

بهناسبت بزرگداشت انقلابی بزرگ دکتر تقی ارانی

نامه و صفحه‌های (سنگونی نهم بهیون) از طرف يك توده‌ای کوچک-عنیزه، به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران رسید. در این نامه، از جمله نوشته شده است: «در چنین روزی من عاشق حزب، من عاشق انسان دوستی ارانی بزرگ و سایر مارکسیست‌ها، پیام دوستی و ارزشمند اندیشه‌های بشری بهیون، این نایفه اصیل موسیقی را به شما تقدیم میکنم. شاید کلمات نتواند بیانگر اندیشه‌های من باشد، پس به امید آنکه بهیون بتواند تمامی احساس مرا بهیون، به خلمق و به ارانی، چونان نغمه يك عشق عمیق در جود، بنمایاند.»

اخبار کارگری

بیانیه سندیکای کارگران صنایع درود گریهای تهران و حومه

هیئت مدیره سندیکای درود گریهای تهران و حومه با انتشار بیانیه‌ای، ضمن اشاره به وضع صنایع ایران در دوره رژیم سابق و مشکلات کنونی آن، بویژه در زمینه صنایع درود گری، خواستار تسکین کارگران درود گری در سندیکای خود شده است. در این بیانیه که با عنوان «درود بر هر قاطع انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی» آغاز شده، از جمله چنین آمده است:

در زمان حکومت غاصبانه سلطنتی فاشیستی پهلوی، صنایع داخلی ما به منظور توسعه صنایع امپریالیستی و غارت هر چه بیشتر توده‌های زحمتکش کشور ما به صنعت موتاز تبدیل شد و کارگران ما را به عنوان عوامل موتاز با دستمزدهای ناچیز به منظور توسعه و فروش هر چه بیشتر تجهیزات صنعتی امپریالیستی و ایجاد بازار برای سرمایه‌داران غارتگر آمریکایی مورد استفاده قرار دادند، اقتصاد کشور ما را به کشورهای ورشکسته امپریالیستی وابسته کردند و از تولید مواد اولیه در کشور خودداری نمودند. لوازم یدکی، ماشین‌آلات صنعتی را به قیمت گزافی برای موتاز کالاهای خود به ما تحمیل کردند. و بوسیله تحمیل قراردادهای اقتصادی نابرابر و نظامی و فرهنگی سرمایه‌داری مملکت را در دست چپاولگران خارجی قرار دادند تا آنجایی که متخصصین ایرانی گاهی پنجاه برابر از حقوق متخصصین مشابه خارجی نیز کمتر دریافت می‌نمودند و چند برابر متخصصین خارجی کار می‌کردند همه سود آن به جیب شرکت‌های آمریکایی و دلان مزدورشان سرزیر می‌شد، کارخانه‌هایی که تحویل کشور ما می‌دادند با بندوبست‌ها و قراردادهایی نظیر امتیاز خصوصی از فلان شرکت خارجی دست و پای صنایع ما را بطور ایجاد گسترده‌ای می‌بستند، مثلاً کارخانه پارس‌رود در هفت کیلومتری جاده کرخ، و یا کارخانه صنایع چوب ایران در شش کیلومتری جاده آبعلی و نظیر این گونه کارخانه‌ها که با مدرنترین وسایل تکنیک مجهز می‌باشند، بیش از يك یا دوتوی کالا تولید نمی‌کنند.

یا رکود در کار ساختمانی که در گذشته بطور بیندو بار توسعه می‌یافت، کالاهای این کارخانجات نیز اکنون خریدار ندارد و با آنکه صنعتگران ایرانی می‌توانستند کالاهای مورد نیاز مردم را تهیه نمایند، رژیم مغفور شاه مخلوع ورود بیندو بار کالاهای پیش ساخته صنعتی را تشویق می‌کرد، به طوری که جالب‌های گران قیمت ایتالیایی و بوقه‌های اسپانیولی و میز و سندلیهای فرانسوی و درپهای پیش ساخته اسرائیلی و آشپزخانه پیش ساخته آلمانی را به کشور ما سرزیر می‌نمود و در نتیجه از گزافی از این کشور خارج و سود سرشاری به جیب غارتگران بین‌المللی سرزیر و فقر و بیکاری نصیب زحمتکشان کشور ما می‌گردید، اما دولت انقلابی ما می‌تواند و باید کمک مالی و معنوی در اختیار اینگونه کارخانجات که کالاهای مورد نیاز کشور را در داخل تهیه و بخشد، از ارتزات در دسترس مصرف کنندگان عزیز می‌گذارد، قرار بدهد.

احتکار سودجویانه و خائنه و بدون مسئولیت از طرف بعضی واردکنندگان مواد اولیه و دلان واسطه خیابانی علل دیگر رکود صنایع درود گری است. با توجه به اینکه هم اکنون در همین تهران به قدر کافی تخته و سه لایی و روکش و دیگر لوازم اولیه در انبارهای مخفی و نیمه علنی محتکرین موجود است و این افراد بوسیله دلان وابسته خود کالاهای احتکار شده را به قیمت بسیار گزاف می‌فروشند، مثلاً پیشه‌وران جزء و کارگران آنها با برخورد به اینگونه اعمال محتکرین نمی‌توانند چرخ کارگاهها و کارخانجات خود را به کار ببندازند و ناچارند بهیاه اجناس را به همان میزان بالا ببرند. در این صورت خریداران قوه خرید آن را ندارند و اگر بخواهند به قیمت نازل بفرشند ضرر هنگفتی نصیب آنها می‌شود. ناچار کارگاهها را بسته و کارگران را بیکار می‌نمایند.

پیشنهاد این سندیکا این است که دولت انقلاب شرکت‌های تعاونی و توزیع را بسط و گسترش بدهد و در صورت امکان کالاهای را که می‌تواند به توسعه صنایع ما کمک نماید، از طریق شرکت‌های تعاونی و توزیع تهیه و در دسترس عموم زحمتکشان قرار دهد تا دست دلان واسطه‌ها را از تسلط بر صنایع داخلی ما کوتاه گردانند. مسلماً با چنین شرایطی هوطنان عزیز ما نیز کالاهای داخلی خود را در مقابل کالاهای استعماری خارجی تشویق خواهند نمود و بدین وسیله بر توسعه صنایع داخلی یاری خواهند رساند.

پس ما را در راه مبارزه با این امپریالیسم از ایران ریشه کن گردد. شرکت همه کارگران درود گری اعم از مبلساز، رنگ کار، رویه کوب، منبت کار، ماشین کار و پرسکار در جلسات سندیکایی يك وظیفه انقلابی است. بدین منظور تشکل زحمتکشان درود گریهای تهران و حومه در سندیکا اهمیت فراوان دارد.

همسایگی حل می‌شود، زیرانماندگان احزاب می‌توانستند برنامه خود را بگویند و برای کاندیدای خود تبلیغ کنند.

استفاده از مطبوعات را آزاد اعلام کرده‌اند. در عمل این آزادی یعنی آنکه کاندیداهایی که میلیونها ریال می‌توانند خرج کنند، صفحات کامل جراید کثیر الاشاره را بخردند و بالعکس تمام قد یا با چهره ششم و با ایجاد چشمگیر چاپ کنند. البته کارگر و دهقان و زحمتکشی که حرفی برای گفتن دارد و حامی واقعی انقلاب است، ولی پولی در دسترس ندارد، از این امکان استفاده از مطبوعات اجباراً محروم خواهد ماند. فزون بر این، در شرایط کنونی همه میدانند که تشکیل میتینگها و اجتماعات هم وسیله‌ای نیست که به تسوی در اختیار همگان و همه سازمانها و اشخاص باشد و امکانات از این نظر بکلی متفاوت است.

همه این نکات باراباین نتیجه نمی‌ماند که دمکراتیکترین و بنابراین شایسته ترین روش برای انتخابات مجلس شورای ملی در پیش گرفته شده باشد، انتخابات مجلس شورای ملی بویژه در شرایط مشخص کنونی دارای اهمیت بزرگی است. مورد در این زمینه، دفاع از یکی از دستاوردهای مهم انقلاب ایران و وجه تمایز برجسته آن یادوران سیاه سلطنت مغفور پهلوی است. پس:

- تعیین ملاک نسبیتهی بجای اکثریت در هر حوزه انتخابی یا در هر شهر و استان،
- تعیین معیارهای جدید و انقلابی تبلیغات انتخاباتی،
- نخستین مطالبی است که درباره مترات تازمه انتخابات مجلس شورای ملی میتوان گفت و ابتدائی ترین خواست دمکراتیک و شایسته تداوم انقلاب است که در برابر سخنان معاون وزارت کشور میتوان عرضه داشت.

روش‌های سازشکارانه بستیم. ما برای اینکه ملت ایران بار دیگر به آمریکا نشان دهد که مصمم است همیشه همچو سربازی جان برکف در رزمه سگ است محمد (ص) تا آخرین قطره خون خود ایستادگی کند روز فرخنده میلاد پیامبر بزرگ رادرساس کرده‌ایم، ملت ایران در این روز با شما همساز و توانیم خمینی گوش بفرمان تویم خمینی، کتخ نشینان و اشکتگی را برهنه خواهند انداخت.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

درباره مقررات انتخابات مجلس شورای ملی...

معاون وزارت کشور چنین نیست. قبل از هر چیز بکار گرفتن سیستم اکثریتی در هر حوزه انتخابیه سیستمی است غیر - دمکراتیک، زیرا بدین ترتیب گروههای اقلیت و نیروهای متنوع ولی کمتر قدرتمند حذف میشوند و در مقابل، يك حزب یا گرایش غالب، با تکیه به اکثریت آراء در هر حوزه میتواند اکثریت یا تقریباً کلیه کرسیها را انحصاراً بدست آورد. در مرحله اول رای گیری هر شخص یا حزبی که اکثریت مطلق داشت (نیم به اضافه يك) کرسی را تصاحب خواهد کرد و کلیه کسانی که کمتر از ۵۰ درصد آراء حلف میشوند، در مرحله دوم نیز اکثریت نسبی، یعنی جلوتی بودن، کافی است تا سایر نامزدارا از صحنه براند و کاندیدای نیرومند را يک نگاه سازد.

ما یا سیستم اکثریتی مخالفیم. ما موافق سیستم نسبی در انتخابات هستیم. در شرایطی که ایران ما دارد و نیروهای انقلابی ترقیخواه و استقلال طلب طیف وسیعی از دارندگان عقاید و افکار گوناگون را تشکیل میدهند، لازم است سیستم انتخاباتی مانسب باشد و گرنه زمینه انحصارگرایي يك گروه آماده خواهد شد.

فرض کنید طرفداران احزاب یا گروههای الف و ب و ج در تهران با ۲ میلیون نفر رای دهند، که ۲۸ نامیته می‌توانند داشته باشند، طرفداران گروه الف در تهران يك میلیون و چند نفر باشند تا کلیه ۲۸ نفر نمایندگان شهر متعلق به آن حزب یا طرفداران آن گروه الف باشند، تقریباً يك میلیون طرفداران احزاب یا گروههای ب و ج یکی سوخت خواهد شد و از بین خواهد رفت. حال آنکه سیستم نسبی یعنی آنکه، اگر حزب یا گروه الف يك میلیون رای داشت، ۱۴ نماینده ۲۸ نفر به مجلس

بفرستد. حزب یا گروه ب، که ۶۰۰ هزار رای دارد، مثلاً نماینده ۶۰۰ حزب یا گروه ب، که ۴۰۰ هزار رای دارد، ۶ نماینده بفرستد. باین ترتیب تقسیم کرسیها بر حسب نسبت آراء خواهد بود. و این البته دمکراتیک است. ولی طبق مقررات اعلام شده، در تهران، که به چند ناحیه تقسیم خواهد شد، هر يك باه نماینده، باید يك از شهرهای بزرگ مشهد و تبریز و اصفهان، که ه نماینده خواهند داشت و در سایر شهرها و مناطق هر کدام يك نماینده دارند، در همه جا سیستم اکثریت آراء ملاک گرفتن کلیه کرسیها خواهد بود.

در حالیکه باید نسبیته آراء ملاک گرفتن نسبت کرسیها باشد تا عدالت و دمکراسی رعایت شود. واضح است که سیستم اکثریتی، در شرایط وجود احزاب و گرایشهای مختلف و طیف وسیع افکار و عقاید، سیستمی دمکراتیک نیست، زیرا نقض کننده حقوق مسلم اقلیتی است که جمع آراء آنها در هر شهر یا در سطح مملکت می‌تواند سر به صدها هزار یا میلیونها بزند، ولی در نتیجه این سیستم از داشتن حتی يك کرسی در مجلس و بیان نظر و عقیده خود محروم خواهند ماند، فقط پابین صلت که در هیچ حوزه رای گیری، اکثریت نیارودند. است تا دو هفته دیگر منتشر شود، شرط عقل و نیاز انقلاب ما آنست که نسبیته ملاک نمایندگی شناخته شود. اگر این نسبت در سطح کشوری باشد، چه بهتر. ولی متأسفانه چون هنوز احزاب یا گروهی و قوام سراسری کشوری نیافته‌اند، لاقط در سطح هر شهر و شهرستان میباید اصل مشارکت به نسبت آراء را ملاک قرارداد نه اکثریت ددو مرحله و در نتیجه حذف هر گونه اقلیتی را. در غیر این صورت اصولاً مسئله شور و آشوب و معنائی

معاون وزارت کشور چنین نیست. قبل از هر چیز بکار گرفتن سیستم اکثریتی در هر حوزه انتخابیه سیستمی است غیر - دمکراتیک، زیرا بدین ترتیب گروههای اقلیت و نیروهای متنوع ولی کمتر قدرتمند حذف میشوند و در مقابل، يك حزب یا گرایش غالب، با تکیه به اکثریت آراء در هر حوزه میتواند اکثریت یا تقریباً کلیه کرسیها را انحصاراً بدست آورد. در مرحله اول رای گیری هر شخص یا حزبی که اکثریت مطلق داشت (نیم به اضافه يك) کرسی را تصاحب خواهد کرد و کلیه کسانی که کمتر از ۵۰ درصد آراء حلف میشوند، در مرحله دوم نیز اکثریت نسبی، یعنی جلوتی بودن، کافی است تا سایر نامزدارا از صحنه براند و کاندیدای نیرومند را يک نگاه سازد.

ما یا سیستم اکثریتی مخالفیم. ما موافق سیستم نسبی در انتخابات هستیم. در شرایطی که ایران ما دارد و نیروهای انقلابی ترقیخواه و استقلال طلب طیف وسیعی از دارندگان عقاید و افکار گوناگون را تشکیل میدهند، لازم است سیستم انتخاباتی مانسب باشد و گرنه زمینه انحصارگرایي يك گروه آماده خواهد شد.

فرض کنید طرفداران احزاب یا گروههای الف و ب و ج در تهران با ۲ میلیون نفر رای دهند، که ۲۸ نامیته می‌توانند داشته باشند، طرفداران گروه الف در تهران يك میلیون و چند نفر باشند تا کلیه ۲۸ نفر نمایندگان شهر متعلق به آن حزب یا طرفداران آن گروه الف باشند، تقریباً يك میلیون طرفداران احزاب یا گروههای ب و ج یکی سوخت خواهد شد و از بین خواهد رفت. حال آنکه سیستم نسبی یعنی آنکه، اگر حزب یا گروه الف يك میلیون رای داشت، ۱۴ نماینده ۲۸ نفر به مجلس

معاون وزارت کشور چنین نیست.

معاون وزارت کشور چنین نیست.

قبل از هر چیز بکار گرفتن سیستم اکثریتی در هر حوزه انتخابیه سیستمی است غیر - دمکراتیک، زیرا بدین ترتیب گروههای اقلیت و نیروهای متنوع ولی کمتر قدرتمند حذف میشوند و در مقابل، يك حزب یا گرایش غالب، با تکیه به اکثریت آراء در هر حوزه میتواند اکثریت یا تقریباً کلیه کرسیها را انحصاراً بدست آورد. در مرحله اول رای گیری هر شخص یا حزبی که اکثریت مطلق داشت (نیم به اضافه يك) کرسی را تصاحب خواهد کرد و کلیه کسانی که کمتر از ۵۰ درصد آراء حلف میشوند، در مرحله دوم نیز اکثریت نسبی، یعنی جلوتی بودن، کافی است تا سایر نامزدارا از صحنه براند و کاندیدای نیرومند را يک نگاه سازد.

ما یا سیستم اکثریتی مخالفیم. ما موافق سیستم نسبی در انتخابات هستیم. در شرایطی که ایران ما دارد و نیروهای انقلابی ترقیخواه و استقلال طلب طیف وسیعی از دارندگان عقاید و افکار گوناگون را تشکیل میدهند، لازم است سیستم انتخاباتی مانسب باشد و گرنه زمینه انحصارگرایي يك گروه آماده خواهد شد.

فرض کنید طرفداران احزاب یا گروههای الف و ب و ج در تهران با ۲ میلیون نفر رای دهند، که ۲۸ نامیته می‌توانند داشته باشند، طرفداران گروه الف در تهران يك میلیون و چند نفر باشند تا کلیه ۲۸ نفر نمایندگان شهر متعلق به آن حزب یا طرفداران آن گروه الف باشند، تقریباً يك میلیون طرفداران احزاب یا گروههای ب و ج یکی سوخت خواهد شد و از بین خواهد رفت. حال آنکه سیستم نسبی یعنی آنکه، اگر حزب یا گروه الف يك میلیون رای داشت، ۱۴ نماینده ۲۸ نفر به مجلس

معاون وزارت کشور چنین نیست.

تلگرام دو مادر به امام خمینی

مادران دوفسر از اعضای حزب توده ایران، که در جریان انتخابات اخیر تریز بدون دلیل و بناحق دستگیر شده‌اند، ضمن تلگرامی به امام خمینی خواستار آزادی فرزندان خود شدند.

در تلگرام مادران عبداللّه امیرهاشمی و جعفر معماران بنام آمده است:

«رهبر بزرگوار، امام خمینی بیش از ۱۲ روز است که در افراتیاده روسیه متغامم فرزندانمان عبداللّه امیرهاشمی و جعفر معماران بنام، که از پیروان و پشتیبانان صدیق و بیکیف «خلیف امام» اند، توسط سپاه پاسداران تریز دستگیر و زندانی شده‌اند. حضرت امام

فرزندان ما از مبارزان سرسخت علیه رژیم طاغوت بودند و سالها علیه آن رژیم منحوس و متفوق جنگیده، به شکنجه گاه‌ها رفته و به زندان‌های طولی مدت محکوم گشته‌اند. و تنها در اسر مبارزات قهرمانانه مردم ایران زیر رهبری آن رهبر عظیم‌الشان از زندان آزاد شده و بعد از آن نیز به مبارزات خود در جهت رهنمود های شما رهبر بزرگوار ادامه داده و خواهند داد. اینک برای ما مادران داغدار و غمگین فرزندانمان به تراز این نیست که فرزندانمان به ناحق ضد انقلابی معرفی شوند و تمام مبارزات و جانفشانی آنها در راه حق و مردم و خط امام این چنین وارونه و عکس جلوه داده شود. با اعتقاد راسخ به عدل و مردم خواهی شما پسر و رهبر مستضعفان، استدعا داریم که دستور فرمائید با احسان مسئولیت اسلامی به این مسئله رسیدگی شود و هر چه سریع‌تر از فرزندانمان اعاده حیثیت نمایند و آن هارا آزاد گردانند.»

آیا راست است:

● که اطلاعات تلفن تریز هنوز اسامی جدید خیابان‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد؟
و آیا راست است که یکی از تلفنچی‌های این اداره به یکی از مسراجمین گفته است: «دما اسم خیابان‌ها را تغییر ندادند، اسم خیابان خمینی هم از نظر ما هنوز پهلوی است. از بالا هنوز دستوری در این مورد به ما ندادند»؟

آیا راست است:

● که آقای شفیق، معلم کلاس چهارم دبستان محمودیه، واقع در سرچشمه، به شاگردان خود گفته است که بجای درس خواندن به خیابان‌ها رفته و پوستر مسعود رجوی را پاره کنند؟

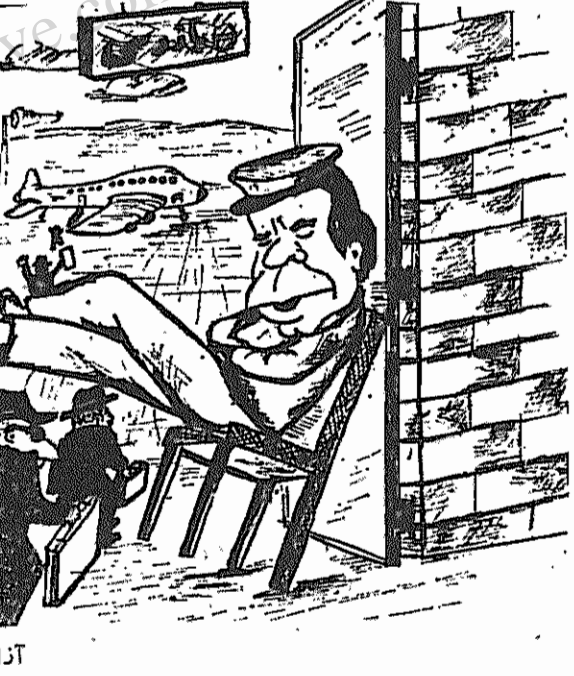
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹
چاپ: کلویان

MARDOM
No 158
3 February 1980
Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

اعلام می‌کند
کار تر مناطق مختلف جهان را «مناطق منافع حیاتی امریکا»
اقیانوس هند قرار داده است.
بخوبی روشن است که در این منطقه «منافع حیاتی» امریکارا کسی تهدید نمی‌کند، اما انظر امریکا، پیروزی انقلاب ایران و از دست رفتن مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی غارتگرانه و تجاوزگرانه امریکا در این کشور «منافع حیاتی» امریکارا بخاطر انداخته است!
عقیم ماندن نقشه‌های مداخله‌گرانه و تجاوزی برای سرنگونی رژیم دیکرانتک در افغانستان نیز گویا «منافع حیاتی» امریکارایست.
خلیج فارس این منطقه، بویژه مردم ایران، که نزدیک به سی سال دهها هزار نفر را بخاطر این «منافع حیاتی» امریکا قربانی داده‌اند و سدها میلیارد ثروتهای ملی آنان بتاراج رفته است، باین «منافع حیاتی» امریکا خوب آشنا هستند، ولی رئیس جمهور امریکاباکمال وقاحت می‌خواهد خلیج فارس این منطقه و بویژه مردم ایران را متقاعد سازد که امریکا فقط در فکر تأمین امنیت منطقه و رفاه و بهروری

استاد رضا اصفهانی: فاکتور دو بیست هزار هکتار زمین در اختیار کشاورزان بی زمین قرار گرفته است

ان اصلاحات ارضی با توجه به معیارهای اسلامی انجام می‌گیرد.
یک میلیارد تومان جهت پرداخت وام به کشاورزان اختصاص یافته است.
میزان کشت اموال بسیار خوبست و در بعضی نقاط تا ۴۰ درصد افزایش یافته است.
در رژیم گذشته بخش‌های بزرگی از جنگل‌ها در اختیار کسانی قرار می‌گرفت که بتوسی بدستگاه وابسته بودند.
متاسفانه هنوز برحمتی ما ز بی‌انصافی‌های عده‌ای از زمینداران با همان خلقیات ثنوالی وجود



آزادگان - ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۸

کار تر مناطق مختلف جهان را «مناطق منافع حیاتی امریکا» اعلام می‌کند

اقیانوس هند قرار داده است.
بخوبی روشن است که در این منطقه «منافع حیاتی» امریکارا کسی تهدید نمی‌کند، اما انظر امریکا، پیروزی انقلاب ایران و از دست رفتن مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی غارتگرانه و تجاوزگرانه امریکا در این کشور «منافع حیاتی» امریکارا بخاطر انداخته است!
عقیم ماندن نقشه‌های مداخله‌گرانه و تجاوزی برای سرنگونی رژیم دیکرانتک در افغانستان نیز گویا «منافع حیاتی» امریکارایست.
خلیج فارس این منطقه، بویژه مردم ایران، که نزدیک به سی سال دهها هزار نفر را بخاطر این «منافع حیاتی» امریکا قربانی داده‌اند و سدها میلیارد ثروتهای ملی آنان بتاراج رفته است، باین «منافع حیاتی» امریکا خوب آشنا هستند، ولی رئیس جمهور امریکاباکمال وقاحت می‌خواهد خلیج فارس این منطقه و بویژه مردم ایران را متقاعد سازد که امریکا فقط در فکر تأمین امنیت منطقه و رفاه و بهروری

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

از جانب سرپرست ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی، طی اطلاعیه‌ای از «کلیه کسانی که رژیم سابق آنان را به منظور ابقای سلطه غیرقانونی خود مورد آزار قرار داده است، اعم از کسانی که مورد شکنجه قرار گرفته‌اند و همچنین بستگان شهیدان و کسانی که اموال آنان را شاه مخلوع گرفته است» تقاضا شده است که تا روز ۱۸ بهمن ماه به دادسرا یا دادگاه صلح مستقل محل خود، مراجعه کنند و موضوع را کتبا یا ذکر دلایل اعلام دارند.
سرپرست ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی خواسته است که علاوه بر این، هرکس دلالتی و مدارکی از جنایات آن رژیم دارد و همچنین هر یک از ادارات و موسسات شهرستانی این استاد را در اختیار دارند، آنها را با اخذ رسید به دادستان یا رئیس دادگاه صلح مستقل محل تسلیم نمایند.
با استقبال از این تصمیم درست ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی، دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران فرامیخواند:
۱- آن غده اژغشاء، دوستان و هواداران حزب، که بشکلی از اشکال از جانب رژیم سابق مورد آزار قرار گرفته‌اند، شکایات و اعلام جرم‌های خود را به مرجع اعلام شده تسلیم کنند.
۲- همه اعضاء، دوستان و هواداران حزب، اگر دلیل، مدرک و سندی درباره خیانتها و جنایات رژیم سابق دارند، به مرجع اعلام شده تسلیم کنند.
دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تأکید می‌کند که با توجه به اینکه اعضاء، هواداران و دوستان حزب همواره در معرض شدیدترین فشارها، تهمینات و شکنجه‌های رژیم سرنگون شده پهلوی بوده‌اند، اقدام آنها برای تدارک اسناد مربوط به محکومیت این رژیم اهریمنی و همه چنین طلب جبران خسارات مادی و معنوی، یک وظیفه انسانی، ملی و الهی است که باید انجام گیرد.
دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸/۱۱/۱۱

شهرداری تهران: کنفرانس شهرداران مراکز کشورهای اسلامی» درمکه کنفرانسی بود ارتجاعی در زیر پوشش اسلامی برای بهره‌برداری سیاسی

ما از ابتدا احساس می‌کردیم که مجموعه اقدامات بر- گزار کنندگان این کنفرانس چیزی جز تحمیل عقاید و اهداف خودشان به شرکت کنندگان در کنفرانس نیست و در جریان جلسات دیروز برای ما بیش از پیش روشن شده که نتیجه از پیش آماده شده این کنفرانس تثبیت کشورهای ارتجاعی عرب باپوشش اسلامی و بخصوص بهره‌برداری سیاسی پس از کشتار اخیر در بیت‌الله الحرام میباشد و بهمین علت بود که حیات نمایندگی ایران با دای رای سفید مخالفت خود را اظهار داشت.
در این کنفرانس از نمایندگان عکس انقلاب اسلامی ایران جلو- گیری شد که با اقداماتی دوباره از سر گرفته شد.
(جمهوری اسلامی، ۱۱ بهمن)

سفارت پاکستان با ساواک و سیا در فرار جاسوسان امریکایی همکاری داشته است

در اولین لحظاتی که لانه جاسوسی امریکا توسط دانشجویان تهران اشغال شد، دانشجویان اعلام کردند که تعداد افرادی که در فرار جاسوسان امریکایی پنجاه و چند نفر است. این مسئله بصورت یک اتهام باقی ماند تا اینکه «تقی» درآمد و باپوشش بکوفتم «گندش» در آندما- حال میتوانیم نتیجه بگیریم که بقیه این افراد در سایر نقاط با خیال راحت منتظر فرصتی شبیه فرست دروزه، نشستند. از اینها که بگذریم چگونگی خروج دیپلماتهای امریکایی توسط سفارت کانادا خود سؤال انگیز است. اما از قرائن امر چنین احتمال می‌رود که سفارت کانادا از همان آغاز در پی فرصتی بود که دیپلماتهای امریکارا فراری دهد. این فرصت در چند روز اخیر پیش آمده بدینصورت که ایران در کنفرانس اسلام آباد شرکت کرد و بسیاری از نیروهای راستین اسلامی با شرکت ایران در آن کنفرانس در راست، بن مخالفت کردند، اما عناصر وابسته به ساواک و سیا با همکاری سفارت پاکستان آن انفجار ساختگی را در سفارت مذکور بوجود آوردند. کشور کانادا بعنوان عکس العمل موجه بلافاصله اعضای سفارت خود را به ملت ندانستن امنیت جانی فراخواند و دیپلماتها نیز محتما از کشور ایران با کمال سلامتی خارج شدند. البته به اضافه چند نفری که اخیرا کانادا فرستاده بودند.
(کیهان، ۱۳ بهمن)
سوگد از تأیید یا تکذیب این خبر چاپ شده بود، خودداری کرد. که در روزنامه تا بلویدا کسرس، (کیهان، ۱۳ بهمن)

خلیج فارس منطقه و مردم ایران است و بهمین علت گویا برای جلوگیری از تجاوز احتمالی اتحاد شوروی در این منطقه، به قدرت نظامی میافزاید و حضور نظامی خود را گسترش میدهد!
مردم ایران و نیروهای انقلابی و راستین کشور ما به این رژیم امریکالیسم امریکا آشناست. کامل دارند و همچنانکه رهبر ایران، امام خمینی، بارها تأکید کرده‌اند، دشمن اصلی مردم خود، یعنی امریکالیسم امریکارا بخوبی میشناسند. مردم ایران نیروهای انقلابی راستین ایران به تجربه دیده‌اند که طی یک که از پیروزی انقلاب شکوهمند ما میگذرد، اتحاد شوروی در از انقلاب ایران پشتیبانی کرده و امریکالیسم امریکارا از تهدید مداخله مسلحانه بر حذر داشته است. موضع اتحاد شوروی شورای امنیت، که قطعنامه پیشنهادی امریکا در مورد تحریم اقتصادی ایران را تو تو کرد، توسط امریکالیسم امریکارا راضی ایران باشکست مواجه ساخت. اما امریکالیسم امریکارا علاوه تدارکات گسترده جنگی و تمرکز نیروهای هوایی خود در خلیج فارس و تهدید ایران بمداخله نظامی، همچنان به فشار اقتصادی خود علیه ایران ادامه میدهد. بدین ترتیب کار تر با ادعاهای بیوج. درباره «خطر تجاوز شوروی»، افکار عمومی جهان و ایران را گمراه سازد. ادعاهای بی‌شرمانه رژیم امریکارا در مورد حیطه «منافع امریکارا» در مناطق مختلف جهان، بر اینکه امنیت و استقلال خلیج فارس را بخاطر میاندازد، تلاشی است راه تشدید تنش در محیط بین‌المللی، که میتواند برای سرور صلح جهانی بی‌آمدهای خطرناک دربر داشته باشد.

آتش جاودان

سرگشته به راه زندگانی در تیرگی زمانه بودیم تا بیدار شدیم شراری ما چشم براه خود گشودیم از راهشمانی
سر دسته رهزنان پلرزید زان روشنی نشاط انگیز تا زندگیش دوام یابد تاریخ کند زمانه را نیز آن پارچه را نمود
آتش پدل ستمکشان زد داد از همه سر امید بر باد دزدید زما چراغ ما را بنشست بظلمت خوش و شاد بر مسند خود بنگم
دیری ولی آن کجی نیاید دوران تلاش او سر آمد پر خاست غبار از پر راه باز آتش جاودان بر آمد بارنگ نشاطش - ارجم
اسماعیل شاهروزی
۱۳۵۸/۱۱/۱۳

امید امریکا به سرسپردگی رژیم کنفرانس وزاری خارجه در پاکستان و فریب دیگر کشورهای منطقه

بهر رویی واشنگتن در این برهه زمانی حساس به چنان مرحله‌ای از پیش می‌رسیده که کشورهای منطقه خلیج فارس را «ملک طلق» واشنگتن دانسته و میکوبد برای دفاع از منافع غرب، حتی از توسل به نیروی نظامی هم باکی ندارد. امید امریکا در چنین چسارنی اول به کنفرانس وزاری خارجه در پاکستان، سرسپردگی رژیم سعودی و مصر، و بعد از همه فریب خوردن دیگر کشورهای این منطقه است. بهمین دلیل است که ماجرای افغانستان را از یکماه پیش بدین- طرف پیراهن عثمانی قرار داده و به دستاویز آن از هر راهی که بتواند می‌خواهد نفوذ شیطانی از دست رفته خود را اعاده کند.
ایران بزرگترین کشور منطقه خلیج فارس مدت‌هاست دشمن اصلی خود و بلشهای مسلمان را شناخته است. در پرتو همین شناسایی و آگاهی سیاسی بود که ۳۵ میلیون مسلمان ایران توانستند رژیم پوسید ۲۵۰۰ امریکارا منحرف کند.
زیرا هر نوع امریکارا در این چپساکه به سرور سید مقدس انقلاب اسلامی منتهی شود.

با تکیه به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل نمائید